

السَّلَامُ
 دِينِ اللَّهِ
 وَصِرَاطُهُ
 السَّلَامُ
 النَّبِيُّ
 الْغَنِيُّ
 مُخْتَلِفُونَ
 عَلَيْكَ
 يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
 عَالَمٌ
 عَلَيْكَ يَا
 الْقَوِيمُ
 الْمُسْتَقِيمُ
 عَلَيْكَ أَيُّهَا
 الْعَظِيمُ
 هُمْ فِيهِ
 السَّلَامُ
 يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

غدیر در زیارت غدیر

از زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام

هادی الیاسی

پنج منبر مکتوب

سرشناسه: الیاسی، هادی

عنوان و نام پدید آور: غدیر در زیارت غدیر / هادی الیاسی.

مشخصات نشر: تهران، سرو امید، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۸۱ص.

شابک:

۹۷۸-۹۶۴-۲۷۸۹-۹۳-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۷۰] - ۷۴: همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: غدیر.

موضوع:

رده بندی کنگره: ۱۴۰۰

غدیر در زیارت غدیر

نویسنده: هادی الیاسی

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۰

بها: ۲۰/۰۰۰ تومان

همه حقوق محفوظ است

مرکز پخش: تهران - انتشارات سرو امید

۰۹۱۹۲۵۲۰۸۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

بزرگ مدافع حریم امامت و ولایت،

علامہ میرحامد حسین موسوی ہندی،

صاحب کتاب عبقات الانوار فی امامۃ الائمة الاطہار

فهرست مطالب

مقدمه	۷
طلیعه سخن	۹

منبر اول: غدیر در سایه‌سار زیارت / ۱۱

۱- غدیر چشمه‌سار حقیقت	۱۳
۲- انتقال معارف ناب از طریق زیارت	۱۵
۲-۱. گستردگی زیارت در مقابل روایات	۱۵
۲-۲. پرکاربرد بودن زیارت	۱۵
۲-۳. حفظ و ایمن‌سازی عقیدتی جامعه	۱۷
۲-۴. زیارت جامعه	۱۹
۳- اسناد و اعتبار زیارت غدیریه	۱۹
۴- ویژگی‌های محتوایی زیارت غدیر	۲۱
۵- محورهای مهم زیارت غدیر	۲۲

منبر دوم: اکمال دین در غدیر / ۲۵

۱- دین قویم	۲۷
۲- اکمال دین در غدیر	۲۸
۳- روز اکمال دین و ناامیدی دشمنان	۳۲
۴- اکمال دین در کلام امام رضا <small>علیه السلام</small>	۳۳
۵- کفر مدعی عدم اکمال دین در غدیر	۳۶

منبر سوم: تشبیه انگاری و فروکاستن از مقام امیرمؤمنان / ۳۷

- ۱- ایمان به مقامات اهل بیت علیهم السلام ۳۹
- ۲- گونه‌شناسی برخورد با فضائل امیرمؤمنان علیه السلام ۴۱
- ۲-۱. کتمان و چشم پوشی ۴۱
- ۲-۲. انحراف از واقعیت ۴۲
- ۲-۳. سانسور و حذف ۴۲
- ۲-۴. جعل و شبیه سازی ۴۴
- ۲-۵. تحریف در نقل ۴۴
- ۳- شکایت از تشبیه انگاری ۴۵

منبر چهارم: شبی برای ایثار / ۴۹

- ۱- لیلَةُ المَبِیت؛ نقطهٔ عطفی در اسلام ۵۱
- ۲- طرح و نقشه ترور پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ۵۲
- ۳- جان فروشی امیرمؤمنان علیه السلام ۵۴
- ۴- هجوم به خانه ۵۶
- ۵- لیلَةُ المَبِیت در کلام مولا ۵۷
- ۶- اثبات افضلیت و نکات مهم ۵۷
- الف. اطاعت از دستور خداوند ۵۷
- ب. مصداق شراء نفس ۵۸

منبر پنجم: مؤمنان و یاران غدیر، کم اما محکم / ۶۱

- ۱- اقلیت پیروان حق در تاریخ ۶۳
- ۲- حضور حداکثری؛ ایمان حداقلی ۶۴
- ۳- بروز دشمنی‌ها ۶۷
- ۴- رسوایی دشمنان ۶۹
- ۵- خاسران در غدیر ۷۰
- فهرست منابع ۷۳
- آزمون تستی برای مرور دوباره کتاب ۷۷

مقدمه

همواره در طول تاریخ هدایت بشر و پس از پیامبران، امت‌های ایشان و پیروان آن آئین، به دلیل دشمنی پیروان ابلیس و لشکریان هوای نفس از حرکت در راه روشن عبودیت فاصله گرفتند. خداوند متعال پس از فاصله و فترت چند صد ساله دین خاتم و آخرین فرستاده خود را برای هدایت مردمان فرستاد. دینی که قرار بود با آن تا قیام قیامت، مردم مسیر بندگی و هدایت را با رهنمون‌های آن پیامبر طی کنند.

برخی چنین سؤال می‌کنند: همان‌گونه که ادیان گذشته دچار انحراف شدند؛ چه تضمینی برای باقی ماندن دین صحیح و بدون انحراف برای بهره بردن نسل‌های آینده وجود دارد؟

در پاسخ می‌گوییم: خداوند متعال دین خویش را برای هدایت مسلمان با دو تضمین حفظ کرد: قرآن و غدیر.

غدیر، تضمین الهی برای حفظ دین از خطرات دشمنان و منحرفان و راه روشنی برای حرکت به سمت کمال بشریت است؛ چراکه در همان روز و پس از اعلان ولایت، جبرئیل امین بر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نازل شد و یأس و ناامیدی دشمنان از نفوذ در دین را با ولایت امام غدیر و جانشینان پس از او بیان فرمود.

حال پس از گذشت هزار و چهار صد و سی و دو سال از واقعه غدیر، پای سفره معارفی می‌نشینیم که از امام هادی علیه السلام در روز غدیر صادر شده است و از آن خوشه‌های عشق و معرفت می‌چینیم.

مؤسسه سرو امید، در راستای ترویج معارف غدیر و فضائل امیرمؤمنان علیه السلام در صدد برآمد تا قدمی در این مسیر بردارد و کتابچه‌ای در شرح زیارت غدیر نشر دهد. به همین منظور کتاب «غدیر در زیارت غدیر» را با قلم حجت الاسلام هادی الیاسی برای استفاده جامعۀ مبلغان غدیر منتشر کرده است. امید آن است که این مجموعه مورد قبول صاحب غدیر واقع شود.

مؤسسه سرو امید

طلیعه سخن

پس از آن‌که در مقابل دیدگان حاضران، پیامبر خدا ﷺ دستان مبارک امیرمؤمنان (علیه السلام) را بالا برد؛ حاضران را مورد خطاب قرار داد که به غائبان، پیام غدیر را برسانند.

این حضور از دو جنس است:

اول: حضوری از جنس حاضران جسمی در غدیر که پیام را به غائبانی برسانند که در آن بیابان نبودند و تبلیغ پیامبر را ندیدند و نشنیدند؛ بسیاری نیز چنین کردند و راوی غدیر شدند و آنچه را که در غدیر شنیدند و دیدند، به غائبان ابلاغ کردند.

دوم: حضور دیگر از جنس حاضران معنوی است؛ یعنی کسانی که به غدیر معرفت دارند و آن را می‌شناسند، به دیگرانی که غایبان غدیر هستند، اطلاع دهند. غایبان معنوی نیز یعنی کسانی که غدیر را نمی‌شناسند، چه

مسلمان و چه غير مسلمان، چه شيعه و چه غير شيعه؛ چون پيام غدير پيام انسانيت است و مهرباني و عطوفت. پيامي براي فطرت خداجوي و حق طلب انسانها. بهترين راه براي اطلاع غدير نيز شناساندن صاحب غدير است. همان گونه که امام هادي عليه السلام در روز غدير براي معرفي غدير، به معرفي صاحب غدير؛ يعني امير مؤمنان عليه السلام پرداخت و ايشان را با بيان فضائل بي همتايش معرفي کرد. آنچه پيش رو داريد، نگارش متني کوتاه است براي معرفي پنج جلسه‌اي نسبت به زيارت غدير که در پنج قسمت کوتاه تدوين شده است. اين پنج موضوع مي‌تواند نمونه‌اي براي انتخاب فقره‌هاي ديگر اين زيارت و شرح آن باشد.

مؤسسه سرو اميد به هدايت و راهبري حجج اسلام شيخ محمد كاظم نوري و سيد محمد جواد جلالی سال‌هاست که در موضوع امر امامت اهل بيت عليهم السلام در تهران مشغول آموزش دادن نيروهاي زبده علمي و هم‌چنين انجام فعاليت‌هاي مختلف فرهنگي و تبليغي است. کتاب حاضر نيز به توصيه ايشان و به جهت امر کاربردي تبليغ نگاشته شده است که لازم مي‌دانم از اهتمام و پيگيري ايشان تشکر کنم.

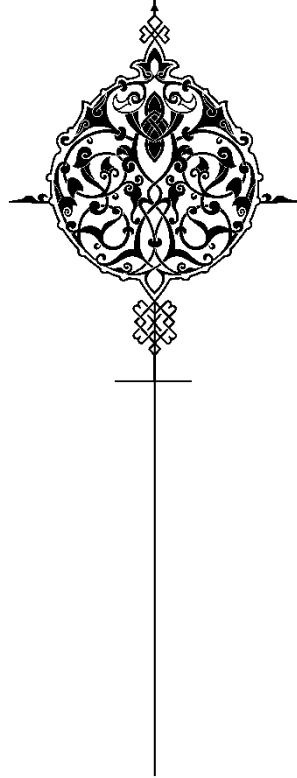
اميد است که اين نوشته مورد استفاده مبلمان غدير قرار گيرد و در جهت ترويج معارف و فضائل امير مؤمنان عليه السلام به پيام رسانان غدير کمک کند و به امضای صاحب غدير برسد.

هادی الیاسی

کربلاء المقدسه

سوم ذی الحجه، ۱۴۴۲ق

منبر اول



غدیر در سایه سار زیارت

۱- غدیر چشمه سار حقیقت

غدیر چشمه‌ای است الهی که تا انتهای عالم می‌جوشد و تشنگان حقیقت را سیراب می‌کند. غدیر چشمه سار هدایت است و ایمان. بحث از غدیر بحث از امامت و خلافت بعد از پیامبر ﷺ را در آینه زلال خود نمایان می‌سازد. رسیدن بدین حقیقت که چه کسی پس از رسول خدا ﷺ باید تا همیشه الگوی مسلمانان باشد. کسی که جمیع صفات کمال و جمال است و در شجاعت، عدالت، سخاوت، عبادت، زهد و تقوا، فروتنی، مدیریت و هرچه از صفات است نظیر ندارد یا برخی دیگر که هرگز به این صفات راهی ندارند.

غدیر چنین الگوهایی را که از جانب خدا و توسط رسولش معرفی شده، بیان می‌دارد. هر که با غدیر باشد، الگویی خدایی و نبوی دارد. غدیر را چنین باید نگریست و شناخت.

هر جای قرآن کریم که سخن از تعیین امام، پیشوا و سرپرست برای امت‌هاست، خدای متعال این انتصاب را به خودش نسبت می‌دهد؛ یعنی هیچ‌کس غیر از خداوند حق چنین انتخابی را ندارد؛ امت هم که بی امام نمی‌شود.^۱

به گواه تاریخ، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله از اولین جلسات ابلاغ رسالت **﴿يَوْمُ الْإِنْدَارِ﴾**^۲ تا آخرین لحظات عمر شریف خویش (حدیث قرطاس)^۳ مسأله خلافت و جانشینی بلافضل امیر المؤمنین علیه السلام را به امر الهی بیان فرمودند. پیامبر صلی الله علیه و آله در روز هجدهم ذی الحجة سال دهم هجرت در «غدیر خم» جای هیچ عذر و بهانه‌ای را برای هیچ‌کس در مسأله امامت و خلافت باقی نگذاشت تا حجت بر همه تمام شده باشد؛ چه آنها که هلاک می‌شوند، چه آنها که هدایت و زنده خواهند شد.^۴

«غدیر» پیام روشن الهی برای تعیین جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله است و جایگاه ویژه‌ای در میان موارث نبوی و امامان معصوم دارد که همگان را به تدبّر و تأمل فرا می‌خواند. هر یک از امامان معصوم علیهم السلام در طول حیات خویش و در میان موارث علمی و معنوی خود، به موضوع غدیر و فضائل امیر مؤمنان علیه السلام اشاراتی داشته‌اند. در این میان، امام هادی علیه السلام نیز در اقدامی

۱. ر.ک: سوره سجده: آیه ۲۴؛ سوره بقره: آیه ۳۰ و ۱۲۴؛ سوره فرقان: آیه ۳۵؛ سوره ص: آیه ۲۶.

۲. نسائی (م ۳۰۳)، خصائص امیر المؤمنین علیه السلام، ص ۱۸؛ طبری ابو جعفر محمد بن جریر (م قرن ۴)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۶۸؛ ابن جوزی (م ۶۵۴)، تذکرة الخواص، ص ۲۶.

۳. ر.ک: صحیح بخاری، صحیح مسلم، مسند احمد بن حنبل، سنن نسائی.

۴. سوره انفال: آیه ۴۲.

بدیع، مجموعه‌ای از فضائل و احادیث نسبت به جایگاه امیرمؤمنان علیه السلام، به ویژه غدیر را در زیارت روز عید غدیر بیان فرمودند.

۲- انتقال معارف ناب از طریق زیارت

انتخاب بستر زیارت برای انتقال معارف ناب ولایت و فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام توسط امام هادی علیه السلام به منظور ایمن سازی عقیدتی جامعه شیعه و حفظ و گسترش این معارف در بین مردم بود. فضائل و مقاماتی که در زیارت غدیریه برای امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است، پیش از این هم در آیات قرآن و روایات ذیل آن یا برخی از روایات تاریخی آمده بود، اما این بار حضرت برای انتقال این معارف به جامعه شیعه از لسان زیارت کمک گرفتند. این انتخاب به دلایل زیر بوده است:

۲-۱. گستردگی زیارت در مقابل روایات

بسیاری از روایات ناب اعتقادی در کتاب‌های حدیثی وجود دارد که حتی عموم مردم برای یک مرتبه آن را نخوانده‌اند، حتی بسیاری از کتاب‌های حدیثی در خانه‌های مردم وجود ندارد، اما کتب ادعیه که شامل زیارات اهل بیت علیهم السلام است، در بین مردم رواج داشته و در بیشتر خانه‌های شیعیان و در دست آن‌هاست. بنابراین بیان اعتقادات آن هم به شیوه زیارت، بایی برای ورود این معارف به خانه‌ها و قلب‌های شیعیان بود.

۲-۲. پرکاربرد بودن زیارت

فرهنگ زیارت اهل بیت علیهم السلام از ابتدا مورد توجه مسلمانان و به ویژه

شیعیان بوده است تا جایی که به زیارت قبور پیامبر ﷺ و اهل بیت ﺍﻟﺒﯿﺖ ﺍﻟﻤﯿﻤﯿﻦ می‌رفتند و از فرهنگ زیارت، معتقدانه دفاع می‌کردند؛ به دو نمونه زیر توجه نمایید:

نمونه اول

روزی مروان بن حکم دید که شخصی صورت خود را بر قبر پیامبر ﷺ گذاشته است، با شتاب به سوی او آمد و گردن او را گرفت، از جای بلند کرد و گفت: می‌دانی چه می‌کنی؟ او گفت: آری، خوب می‌دانم، من هرگز به زیارت سنگ نیامده‌ام، بلکه به زیارت پیامبر آمده‌ام. از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمود: «بر دین خدا گریه نکنید، اگر متولیان اهل بودند و آن‌گاه که نااهلان بر آن حکم راندند، برایش بگریید»^۱.

نمونه دوم

ابو الفرج اصفهانی می‌نویسد: «شبی متوکل عباسی از مُعَنّیه‌های شهر، کنیزی درخواست کرد که به او شراب بدهد و ساز بنوازد، از پیش آمد بد مُعَنّیه صاحب کنیز، غائب بود و برای زیارت امام حسین ﺍﻟﺸﯿﺨﯿﻦ در ایام نیمه شعبان، به کربلا رفته بود. پس از بازگشت، یکی از کنیزان آوازخوان خود را پیش متوکل فرستاد.

۱. حاکم نیشابوری متوفی ۴۰۵ در مستدرک، ج ۴، ص ۵۶۰. ۸۵۷۱ - حاکم و ذهبی حدیث را صحیح می‌دانند. حدیثنا أبو العباس محمد بن یعقوب ثنا العباس بن محمد بن حاتم الدوری ثنا أبو عامر عبد الملك بن عمر العقدي ثنا كثير بن زيد عن داود بن أبي صالح قال : أقبل مروان يوما فوجد رجلا واضعا وجهه على القبر فأخذ برقبته و قال: أتدري ما تصنع ؟ قال : نعم فأقبل عليه فإذا هو أبو أيوب الأنصاري رضي الله عنه فقال: جئت رسول الله ﷺ و لم أت الحجر سمعت رسول الله ﷺ يقول : لا تبتكوا على الدين إذا وليه أهله و لكن ابتكوا عليه إذا وليه غير أهله. هذا حديث صحيح الإسناد و لم يخرجاه. تعليق الذهبي في التلخيص : صحيح.

متوکل پرسید: آن روز که شما را خواستم کجا بودید؟ گفت: با همسر خود به زیارت حج رفته بودیم. گفت: حالا که ماه شعبان است و موسم حج نیست. گفت: به زیارت قبر حسین علیه السلام رفته بودیم. متوکل چنان آتش گرفت که نزدیک بود رگ‌های گردنش منفجر شود؛ فوری صاحب او را احضار کرد و تمامی اموالش را ضبط نمود و خودش را به زندان انداخت و دستور داد قبر امام حسین علیه السلام و تمام خانه‌های موجود را خراب کنند و زمین آنها را زراعت نمایند.

ابوالفرج گوید: این جنایت در ماه شعبان سال ۲۳۳ هجری به وقوع پیوست، مسلمان‌ها اقدام نکردند؛ متوکل به ناچار ابراهیم دیزج یهودی را مأمور کرد. وی جمعی از یهودیان را برای اجرای این منظور به کربلا آورد و آنان مباشر این عمل شدند.^۱

این نقل تاریخی به روشنی شاهد بر آن است که فرهنگ زیارت در میان توده مردم رواج داشته که حاکم جنایت‌کاری برای از بین بردن آن دست به تخریب قبور شهدای کربلا و کشتار زائران آن حضرت می‌زند. امام هادی علیه السلام نیز از همین فرهنگ برای انتقال معارف ناب به جان شیعیان بهره می‌برد.

۲-۳. حفظ و ایمن‌سازی عقیدتی جامعه

در دورانی که از یک سو، فرقه‌های انحرافی در جامعه اسلامی گسترش فراوانی یافته و با حمایت حاکمیت عباسی مدارس علمی در بغداد و سرتاسر

۱. اصفهانی، ابوالفرج، *مقاتل الطالبیین*: ص ۲۰۳.

نقاط مورد حمایت به ترویج انحرافات فکری خود می‌پردازند و از سوی دیگر، با بیان حقایق و معارف صحیح به شدت برخورد می‌شود،^۱ راه حفظ عقاید، نشر عمومی آن است. بسیاری از پژوهشگران بر این موضوع اعتراف کرده‌اند که از جمله دلایل مهم حفظ فرهنگ عاشورا و عزاداری بر مصائب سید الشهداء علیه السلام در طول تاریخ و با وجود تمام دشمنی‌ها؛ نشر عمومی این فرهنگ در بین توده مردم بوده است، به طوری که با تمام سخت‌گیری‌ها و مخالفت‌ها، این فرهنگ نه تنها از بین نرفت، بلکه در طول تاریخ حفظ و گسترش یافت.

امام هادی علیه السلام برای مقابله با انحرافات و فرقه‌های کج اندیش، تنها به رد کردن فکری و نظری آنها اکتفا نکرد و از طریق بیان معارف و به ویژه فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام و گسترش آن با فرهنگ زیارت، به حفظ این فضائل به شکل نشر عمومی و حفظ عقیدتی شیعیان خویش مبادرت ورزید.

تا پیش از این، اعتقاداتی که در زیارت غدیریه و زیارت جامعه که از امام هادی علیه السلام صادر شده است، در میان یاران و راویان حدیث و نخبگان جامعه شیعه و کسانی وجود داشت که با این گروه از نزدیکان امامان معصوم علیهم السلام در ارتباط بودند؛ اما اطلاع تمام مردم و حتی کسانی که

۱. «روزی متوکل از ابن سبکیت که استاد ادب، شعر، نحو و لغت بود در حال درس پرسید: حسن و حسین را بیشتر دوست می‌داری یا این دو پسر من را؟ ابن سبکیت بدون تأمل گفت: قنبر، غلام علی علیه السلام را با تو و این دو پسر ت مبادله نمی‌کنم؛ چه برسد به امام حسن و امام حسین علیهم السلام. متوکل در حالی که خشم گلوی او را می‌فشرد، دستور داد زبان او را ببردند یا از پس گردنش بیرون آوردند. وی در پنجم ماه رجب سال ۲۴۴ هجری به شهادت رسید» (قمی، شیخ عباس؛ سفینه البحار: ج ۱، ص ۶۳۶).

ممکن است فقط از طریق زیارت به این معارف دست‌یابی داشته باشند، وجود نداشت. این مهم در عصر امام هادی علیه السلام و توسط این امام انجام پذیرفت.

۴-۲. زیارت جامعه

زیارت جامعه که یکی از مهم‌ترین منابع مهم فکری و اعتقادی شیعه نسبت به جایگاه امامان معصوم علیهم السلام است، توسط امام هادی علیه السلام برای زیارت تمام امامان معصوم ایراد شد. زیارت جامعه کبیره نیز در کنار زیارت غدیریه فرهنگ اعتقادی و ولایی شیعه است.

۳-۱. اسناد و اعتبار زیارت غدیریه

زیارت غدیریه که از لسان مبارک امام هادی علیه السلام بیان شده، دربرگیرنده متنی استوار و متقن و دارای محتوایی استوار و فصیح است. ابن مشهدی^۱ عالم شیعی در قرن هفتم هجری، این زیارت را در کتاب «المزار الکبیر» نقل کرده است. بسیاری از عالمان و محدثان وی را توثیق کرده و کتاب «المزار الکبیر» را معتبر دانسته‌اند؛ مانند: شهید اول، علامه مجلسی^۲، مُحدّث نوری، شیخ حر عاملی^۳، سید محسن امین^۴، آقابزرگ تهرانی^۵ و

۱. ابو عبدالله محمد بن جعفر بن علی مشهدی حائری، معروف به محمد بن مشهدی (متوفای ۶۱۰ ق).

۲. علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۵۹.

۳. شهید اول، المزار، ۱۴۱۲ ق، مقدمه، ص ۶.

۴. امین، اعیان الشیعه، ۱۴۲۱ ق، ج ۹، ص ۲۰۲.

۵. تهرانی، الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۲۴.

شیخ عباس قمی.^۱ شهید اول، وی را از عالمان شاخص عصر خویش می‌داند^۲ و شیخ حرّ عاملی می‌گوید: «محمد بن جعفر مشهدی، فاضل، محدث و صدوق که دارای کتب است و از شاذان بن جبرئیل قمی روایت می‌کند».^۳

ابن مشهدی (ره) در کتاب المزار نقل می‌کند: «وَأَخْبَرَنِي الْفَقِيهُ الْأَجَلُّ أَبُو الْفَضْلِ شَاذَانَ بْنِ جَبْرِئِيلَ الْقُمِّيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ الْفَقِيهِ الْعَمَادِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ الطَّبْرِيِّ، عَنْ أَبِي عَلِيٍّ، عَنْ وَالِدِهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ جَعْفَرِ بْنِ قُؤْلُوبِهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ بْنِ رُوحٍ وَ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدِ الْعُمَرِيِّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا، وَ ذَكَرَ أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ زَارَ بِهَا فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ فِي السَّنَةِ الَّتِي أَشْخَصَهُ الْمُعْتَصِمُ».^۴

مرحوم محدث شیخ عباس قمی در مورد اعتبار زیارت غدیریه مطالبی را نگاشته است، از آن جمله با اشاره به سند زیارت می‌نویسد:

«این سلسله شریفه، همه از اعیان علما و شیوخ طائفه و رؤسای مذهب هستند و جناب ابوالقاسم بن روح و عثمان بن سعید، هر دو از نواب امام عصر علیه السلام هستند و بعد از تأمل معلوم می‌شود که در میان تمام زیارات مأثوره، زیارت به این درجه از صحت و اعتبار و قوت سند پیدا نمی‌شود».^۵

سیس ایشان جمله‌ای از مزار قدیم نقل می‌کند: «و هر وقت حاضر شدی

۱. قمی، الکنی واللقاب، ج ۱، ص ۴۰۹.

۲. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ۱۴۱۲ق، ص ۵، ۶.

۳. شهید اول، المزار، ۱۴۱۲ق، مقدمه، ص ۶.

۴. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۲۴۶.

۵. قمی، شیخ عباس، هدیه الزائرین، صص ۲۴۱ - ۲۴۲.

در آن محل زیارت شریف و به خصوص در روز غدیر خم و در هر شهری که باشی؛ به این زیارت، حضرت امیر علیه السلام را زیارت کن». محدث قمی سپس می‌افزاید: «این عبارت صریح است در آن‌که این زیارت را در هر روز از نزدیک و دور می‌شود خوانند، و این فائده جلیله‌ای است که البته راغبین در عبادت و شائقین زیارت حضرت شاه ولایت آن را غنیمت خواهند شمرد»^۱. ایشان در کتاب مفاتیح هم پس از نقل زیارت غدیریه، به اسناد عالی زیارت اشاره می‌کند و خواندن زیارت غدیریه را در هر روز و از نزدیک و دور توصیه می‌فرماید.^۲

۴- ویژگی‌های محتوایی زیارت غدیر

صرف نظر از بررسی سندی و رجالی زیارت غدیریه، بررسی محتوایی آن شهادت می‌دهد که این زیارت، فقط به وسیله امام معصوم امکان صدور دارد. برخی از ویژگی‌های محتوایی این زیارت عبارتند از:

الف) بیان سیره جامع حدیثی امیرالمؤمنین علیه السلام به صورت کامل اما مختصر؛

ب) استناد این سیره به امام معصوم که دلالتی بر استواری و صحت سیره و فضائل امیرمؤمنان علیه السلام است؛

ج) بیان احادیث نبوی درباره فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام؛

د) بیان آیات قرآن درباره فضائل، جایگاه و مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام به شکل نقل عین متن، استناد، استشهاد و بیان سبب نزول.

۱. همان.

۲. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ص ۳۷۳.

۵- محورهای مهم زیارت غدیر

محور اصلی در زیارت غدیریه، اثبات فضائل امیرمؤمنان علیه السلام با استناد به آیات قرآن کریم و سنت نبوی است و نیز اصل تولی و تبری در این زیارت مورد تأکید قرار گرفته است. در یک نگاه کلی می‌توان محورهای مهم زیارت غدیر را این‌گونه ترسیم کرد:

الف) فضیلت‌های قرآنی امیرمؤمنان علیه السلام: در این زیارت، بیش از سی آییه در مورد فضیلت‌های حضرت استفاده شده است؛ نظیر آییه لیلۃ المبیّت^۱، آییه تبلیغ^۲، آییه ولایت^۳، آییه اکمال^۴ و ...

ب) فضیلت‌های حدیثی: در زیارت غدیریه به فضائلی از امیر مؤمنان علیه السلام اشاره شده است که احادیث آن در منابع حدیثی عامه و خاصه وجود دارد؛ مانند: امیرالمؤمنین، سید الوصیین، وارث علم النبیین، ولی رب العالمین، امین الله فی ارضه، سفیرالله فی خلقه، الحجة البالغة علی عبادیه، دین الله القویم، صراط مستقیم، نبأ عظیم، اول من آمن بالله، سید المسلمین، یعسوب المؤمنین، امام المتقین، قائد العز المحجلین، امام المتقین، اول من صدق بما أنزل الله علی نبيه و ...

ج) جنگ‌ها و فضائل تاریخی حضرت: رشادت‌ها و صفحاتی از شهادت‌های بی‌نظیر امیرمؤمنان علیه السلام در طول حیات خویش، چه در عصر مبارک نبوی و چه در دوران امامت علوی، در راه اسلام و اعتلای دین از

۱. سوره بقره: آییه ۲۰۷.

۲. سوره مائده: آییه ۶۷.

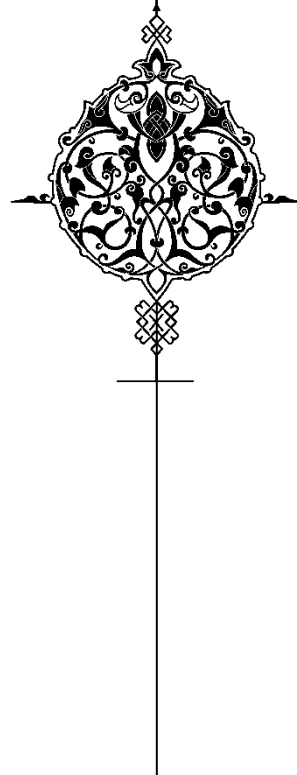
۳. سوره مائده: آییه ۵۵.

۴. سوره مائده: آییه ۳.

موارد دیگری است که در زیارت غدیریه آمده است مانند: جنگ‌های بدر، احزاب، أحد، حنین، صفین، جمل، نهروان و

د) سایر اتفاقاتی که در مورد معرفت و محبت نسبت به امیرمؤمنان علیه السلام و همچنین برائت و بیزاری نسبت به دشمنان ولایت برای یک شیعه نیاز است؛ اتفاقاتی همچون: ماجرای فدک، بیزاری از دشمنان ولایت و برائت از قاتلان امام حسین علیه السلام و شهادت عمّار، شهادت حضرت علی علیه السلام و شهادت سیدالشهدا علیه السلام.

منبر دوم



اکمال دین در غدیر

متن زیارت

أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الشَّاكَّ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ، وَ
أَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرُكَ عَادِلٌ عَنِ الدِّينِ الْقَوِيمِ، الَّذِي اِزْتَضَاهُ لَنَا
رَبُّ الْعَالَمِينَ، فَأَكْمَلَهُ بِوَلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ.

ترجمه

گواهی می‌دهم ای امیرمؤمنان که شک کننده درباره توبه
رسول امین ایمان نیاورده و اینکه روی گرداننده از ولایت توبه
ولایت غیر، معاندانه روی گردان از دین است، دین میانه‌ای که
پروردگار جهانیان برای ما پسندیده و آن را روز غدیر به ولایت
تو کامل فرموده است.

۱- دین قویم

برای «دین» تعاریف متعددی بیان شده است. با تمام اختلافات در مورد تعریف دین، همگان بر این موضوع اتفاق نظر دارند که دین، دین خداست، نه دین خلق خدا. اگر دین از جانب خداوند آمده است پس خداوند باید او را تعریف کند، نه خلق خدا.

دین خدا؛ دین قویم است؛ یعنی دین استوار. دانش بشری بر پایه فرضیه، حدس، تخمین، آزمایش، نقص، نارسایی، تکامل و مانند اینها شکل می‌گیرد. به همین دلیل مجموعه‌ای از دانستنی‌های زودگذر است که نهایتاً بخشی از زندگی زودگذر دنیایی را تأمین می‌کند. اما دین خداوند، مجموعه‌ای است از اعتقادات، احکام و اخلاقی که سعادت بشر در دنیا و آخرت را تأمین می‌نماید. به همین دلیل، دین خداوند باید قویم و استوار باشد و بر پایه حقایق ثابت و استوار الهی قوام یافته باشد.

در تصور اولیة مردم، دین مجموعه‌ای است از احکامی همچون نماز، روزه، حج و سایر فروع دیگر. اما در واقع، تمام دین، همین فروع نیستند، بلکه تمام دین، رکن ارجمندی است که تمام این عبادات و احکام و مناسک به وجود او قوام پیدا می‌کند.

بر اساس روایات، «ولایت»، رکن و پایه ارجمندی است که اگر نباشد، قوام بودن دین هم از بین می‌رود. ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ، وَ لَمْ تُنَادَ بِشَيْءٍ مَّا تُؤَدِّي بِالْوَلَايَةِ»، وَ زَادَ فِيهَا عَبَّاسُ بْنُ عَامِرٍ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَ تَرَكُوا هَذِهِ الْوَلَايَةَ؛^۱

«اسلام بر پنج رکن بنا گذاشته شده است؛ نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. چنان که برای ولایت فریاد زده شد، برای هیچ چیزی دیگر فریاد زده نشد». عباس بن عامر اضافه کرده است که حضرت فرمود: «مردم آن چهار رکن را گرفتند و رکن اصلی که ولایت باشد را رها کردند».

واقعه مهم غدیر خم، فریاد محکم دین در مورد اكمال دین به ولایت امیر مؤمنان علیه السلام بود.

۲-۱. اكمال دین در غدیر

از جمله آیاتی که دلالت بر ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام دارد و می‌تواند پشتوانه بسیار محکمی برای حدیث غدیر در معنا بخشی ولایت و

۱. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۶.

امامت باشد، «آیه اكمال» است:

﴿... الْيَوْمَ يَبَسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا يَخْشَوْنَهُمْ وَ اخْشَوْنَ الْيَوْمَ
أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ
دِينًا...﴾^۱؛

... امروز کسانی که کفر ورزیده‌اند از (ابطال و ازاله) دین شما مأیوس شده‌اند، پس از آنها نترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را برای شما به عنوان آیینی (استوار و پایدار) پذیرفتم... .

با نزول این آیه، رسول خدا ﷺ با حمد و ثنای خداوند بلند مرتبه شروع فرمودند:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كَمَالِ الدِّينِ وَ تَمَامِ النُّعْمَةِ وَ رِضَى الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَ
الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ مِنْ بَعْدِي﴾^۲؛

سپاس خداوند متعال را بر تکمیل دین و تمام نمودن نعمت و رضایت او نسبت به رسالت من و ولایت علی پس از من».

بنا به رأی مکتب اهل بیت علیهم السلام و بسیاری از علمای اهل سنت، آیه اكمال در روز هجدهم ذی الحجة و در سرزمین غدیر بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است. در مصادر شیعه، روایات بسیاری در این زمینه یافت می‌شود از جمله:

امام باقر علیه السلام فرمود: «وَ كَانَتِ الْفَرِيضَةُ تَنْزِلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ الْأُخْرَى، وَ كَانَتِ
الْوَلَايَةُ آخِرَ الْفَرَائِضِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ

۱. سوره مائده: آیه ۳.

۲. شیخ حر عاملی، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۳، ص ۱۳۷.

أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ﴿۱﴾، قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا أَنْزِلُ عَلَيْكُمْ بَعْدَ هَذِهِ فَرِيضَةً قَدْ أَكْمَلْتُ لَكُمْ الْفَرَايِضَ»؛^۱

«واجبات خدا یکی پس از دیگری نازل می‌شد و امر ولایت آخرین آنها بود، که خدای عزیز و جلیل این آیه را نازل فرمود: امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم»، امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: «بعد از این، واجبی بر شما نازل نکنم، واجبات را برای شما کامل کردم».

در مصادر حدیثی اهل سنت نیز روایات صحیحی از لحاظ سندی در رابطه با نزول آیه در شأن امیرالمؤمنین علی علیه السلام وجود دارد که شمار آنها بسیار است. مانند روایت ذیل که ابونعیم اصفهانی به اسناد خود نقل می‌کند:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمَّا دَعَا النَّاسَ بَعْدَ غَدِيرِ حُمٍّ، أَمَرَ بِمَا كَانَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ مِنَ الشَّوْكِ، فَقَامَ وَذَلِكَ يَوْمَ الْحَمِيمِيس دَعَا النَّاسَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَخَذَ بِضَبْعِيهِ فَرَفَعَهُمَا، حَتَّى نَظَرَ النَّاسُ إِلَى بِيَاضِ إِبْطِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَلَمْ يَتَفَرَّقُوا حَتَّى نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾؛ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى إِكْمَالِ الدِّينِ وَإِثْمَامِهِ وَرِضَا الرَّبِّ تَعَالَى بِرِسَالَتِي وَالْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ». ثُمَّ قَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلِيٌّ مَوْلَاةً، أَللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»؛

همانا پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را در غدیر حُم فرخواند و در کنار درختی ایستاد، آن روز پنجشنبه بود که مردم را به علی ابن ابی طالب علیه السلام دعوت کرد؛ سپس

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۱، ص ۲۸۹.

دستان علی علیه السلام را گرفت و بالا برد تا جایی که سپیدی زیر کتف مبارک پیامبر نمایان شد. هنوز مردم متفرق نشده بودند که این آیه نازل شد: «امروز دین را برای شما کامل کردم و نعمت را تمام و راضی شدم که اسلام دین شما باشد». سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت خداوند متعال به رسالت من و ولایت علی علیه السلام. سپس فرمود: «هر کس من مولا و سرپرست اویم، پس علی هم مولا و سرپرست اوست، خداوندا، دوستان او را دوست بدار و با دشمنان او دشمنی کن و یاوران او را یاری رسان و کسانی که او را خوار می‌کنند ذلیل فرما»^۱.

این روایات با مضمون و محتوای آیه اکمال نیز سازگار است؛ زیرا: یک. یأس و ناامیدی کفار تنها با اثبات و اعلام رهبری جامعه مسلمانان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله تحقق می‌یابد. دشمنان اسلام پس از ناکامی در تمام توطئه‌ها تنها به رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و تصاحب جانشینی او و انحراف در دین چشم دوخته بودند؛ چنان‌که خداوند از قول آنها می‌فرماید: ﴿كَرَبُّوا بِرَبِّبِ الْمُنُونِ﴾^۲ آمدن مرگش را انتظار می‌کشیم.

دو. با انتخاب و انتصاب امیرالمؤمنین علیه السلام به ولایت و امامت، نبوت به سیر تکاملی خود ادامه داد و با آن، دین خدا کامل شد.

سه. نظریه اکمال در حوزه احکام ناقص است؛ زیرا در این صورت باید تمام احکام تا روز قیامت، کامل بیان می‌شد که چنین احتمالی باطل است؛

۱. ابن بطریق، یحیی بن حسن، خصائص الوحي المبين، ص ۶۱ و ۶۲، ما نزل من القرآن في علي علیه السلام، رازی حنفی، احمد بن محمد؛ طبری آملی، عماد الدین، بشارة المصطفى لشعبة المرتضى، ج ۲، ص ۲۱۲.

۲. سوره طور: آیه ۳۰.

چرا که پس از نزول آیه اکمال نیز احکام دیگری صادر شده است.^۱ بنابراین اکمال در حوزه اعتقادات دین بود که با آخرین فریضه؛ یعنی ولایت و امامت، دین در حوزه اعتقادات کامل شد.

چهار. پروردگار عالم به دینی رضایتمند و خشنود است که در آن ولایت و امامت باشد: ﴿الْيَوْمَ... وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾. بنابراین پذیرش ولایت، شرط رضایت الهی در دین است.

۳- روز اکمال دین و ناامیدی دشمنان

امام صادق علیه السلام فرمودند: «پس از نزول آیه تبلیغ و بیعت مهاجرین و انصار با امیرالمؤمنین علیه السلام آیه اکمال نازل شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول آیه اکمال فرمودند: فِي هَذَا الْيَوْمِ أَكْمَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَعَاشِرَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ دِينَكُمْ... وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ وَ غَوَى؛

در امروز خداوند برای شما ای گروه مهاجرین و انصار، دین را کامل کرد... و هر کسی که از آن؛ یعنی ولایت تخلف کند به هلاکت می‌رسد».

سپس حضرت فرمود: «برای منافقین، روزی بدتر و سخت‌تر از این روز نبود». منافقان در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله با بغض و کینه‌ای که نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام داشتند، شناخته می‌شدند، پس خداوند متعال این آیه را درباره منافقان بر رسول خویش نازل فرمود:

﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ* وَلَوْ نَشَاءُ

۱. به عنوان مثال حکم کلاله (خواهران پدر و مادری یا پدری تنها) (رک: سوره نساء: آیه ۱۷۶).

لَأَرِيَنَّاكُمْ فَلَعرَفْتَهُمْ بِسِيَمَاهُمْ وَتَعَرَّفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ^۱ ﴿ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ^۲ ۱

بلکه آنان که در دل‌هایشان بیماری (نفاق و ضعف ایمان) است، گمان کردند که خداوند هرگز کینه‌ها و دشمنی‌های آنها را بیرون نخواهد ریخت (و دست آنها را رو نخواهد کرد). و اگر بخواهیم، آنها را به تو نشان می‌دهیم به طوری که آنها را به صورت و شمایل بشناسی، و حتماً آنها را در سبک و شیوه گفتار خواهی شناخت، و خداوند کردارهای شما را می‌داند. و خداوند پنهان‌کاری آنها را می‌داند.

سپس هنگامی که رسول خدا ﷺ به مدینه بازگشت، برای اصحاب خود خطبه خواند و فرمود: «خداوند متعال، علی را با سه خصلت ویژه برتری داده که به هیچ کس از اولین و آخرین نداده است، پس آن فضائل نیکو را بشناسید: «فَاتَهُ الصِّدِّيقُ الْاَكْبَرُ وَ الْفَارُوقُ الْاَعْظَمُ، اَيَّدَ اللهُ بِهِ الدِّينَ وَ اَعَزَّهُ بِهِ الْاِسْلَامَ وَ نَصَرَ بِهِ نَبِيِّكُمْ...»؛ پس او صدیق اکبر و فاروق اعظم است، خداوند به وسیله او [علی] دین را قوت بخشید و به وسیله او اسلام را عزت داد و به وسیله او پیامبرتان را یاری کرد»^۳.

۴- اكمال دين در کلام امام رضا علیه السلام

هنگامی که عبدالعزیز بن مسلم در مورد امامت از امام رضا علیه السلام سؤال

۱. سوره محمّد: آیه ۲۹ و ۳۰.

۲. سوره محمّد: آیه ۲۶.

۳. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۹۳.

پرسید، حضرت کلام خویش را با اکمال دین نسبت به امامت آغاز کرد و فرمود:

« همانا خداوند پیامبر خویش را قبض روح فرمود تا دین را برایش کامل کرد و قرآن را بر او نازل فرمود که بیان هر چیز در اوست،^۱ حلال و حرام و حدود و احکام و تمام احتیاجات مردم را در قرآن بیان کرد و فرمود: «چیزی در این کتاب فروگذار نکردیم»^۲ و در حجة الوداع که سال آخر عمر پیامبر ﷺ بود این آیه نازل فرمود: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم»،^۳ و موضوع امامت از کمال دین است (تا پیامبر ﷺ) جانشین خود را معرفی نکند تبلیغش را کامل نساخته است) و پیامبر ﷺ از دنیا نرفت تا آنکه نشانه‌های دین را برای امتش بیان کرد و راه ایشان را روشن ساخت و آنها را بر شاهراه حق واداشت و علی علیه السلام را به عنوان پیشوا و امام منصوب کرد و همه احتیاجات امت را بیان فرمود».^۴

۱. اشاره به آیه ۸۹، سوره نحل.

۲. سوره انعام، آیه ۳۸.

۳. سوره مائده، آیه ۳.

۴. « يَا عِبَادِ الْعَزِيزِ، جَهْلَ الْقَوْمِ وَ حُدُوعَا عَنْ آرَائِهِمْ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ ﷺ حَتَّى اكْمَلَ لَهُ الدِّينَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ، فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ، بَيَّنَّ فِيهِ الْخَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ الْخُدُودَ وَ الْأَحْكَامَ وَ جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ كَمَلًا، فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ - « مَا قَرَّظْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ »، وَ أَنْزَلَ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَ هِيَ آخِرُ عُمرِهِ ﷺ « الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَنْتُمْ عَلَىٰ نِعْمَتِي وَ رِضِيَّتِكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا »، وَ أَمُرُ الْإِمَامَةِ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ وَ لَمْ يَمُضِ ﷺ حَتَّى بَيَّنَّ لِأُمَّتِهِ مَعَالِمَ دِينِهِمْ وَ أَوْضَحَ لَهُمْ سَبِيلَهُمْ وَ تَرَكَهُمْ عَلَىٰ قُضْدِ سَبِيلِ الْحَقِّ وَ أَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا عليه السلام عِلْمًا وَ إِمَامًا وَ مَا تَرَكَ لَهُمْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا بَيْنَهُ» (شيخ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ۱، ص ۱۹۹).

نکات

۱. امام رضا علیه السلام در کلام خود به دو مطلب مهم اشاره می‌فرماید:

اول: امام معصوم، منصوب از جانب خداوند است.

دوم: برای امام صفات عظیمی است که عقل بشر از راه یافتن به آن عاجز است.

۲. در توضیح مطلب اول باید گفت:

اولاً، خداوند پیامبر خود را قبض روح نکرد مگر این که دین خود را به واسطه وجود او کامل کرد و چیزی را فرو نگذاشت. پس در نتیجه چگونه ممکن است که امر امامت را رها کرده باشد؟ حضرت برای استناد کلام خویش، آیه سوم از سوره مائده را قرائت فرمود که خدای متعال در روز معینی از حجة الوداع آن را نازل فرموده است؛ آن هم به سبب اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام. نکته قابل توجه این است که وظیفه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، ابلاغ این ولایت است؛ یعنی این ولایت از زمان‌های قبل منصوب از جانب پروردگار بوده است که در زمان معینی از طرف خداوند به پیامبرش اعلام و از طرف پیامبر تبلیغ شده است.

ثانیاً، امر امامت نشانه اکمال دین و همچنین تمام بودن نعمت است. آنقدر شأن عظیم و جایگاه رفیع دارد که حتی عامه هم بر این مهم متفق هستند و شاهد بر این مطلب است که هنوز پیکر رسول خاتم صلی الله علیه و آله دفن نشده بود که عده‌ای در سقیفه به دنبال تعیین امام برای خودشان بودند تا نکند جامعه اسلامی پس از پیامبر حتی برای ساعاتی بدون خلیفه و امام بماند.

۳. پیامبر از دنیا نرفت مگر اینکه به وظیفه خود در اعلان عمومی ولایت جانشین خویش و گرفتن بیعت از مردم برای او عمل کرد و امیرالمؤمنین را به عنوان امیر و امام و آنچه مردم به آن نیاز داشتند در راه نجات معرفی فرمود.

۵- کفر مدعی عدم اکمال دین در غدیر

امام رضا علیه السلام در ادامه فرمایش خود به یک باور اعتقادی اشاره می‌فرماید که همگان باید باور به اکمال دین در غدیر داشته باشند. بنابراین اگر کسی که مدعی باشد که در روز غدیر به وجود امام، دین اکمال نیافته است کافر است. امام رضا علیه السلام فرمودند:

«فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ، فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ وَ مَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ بِهِ؛^۱

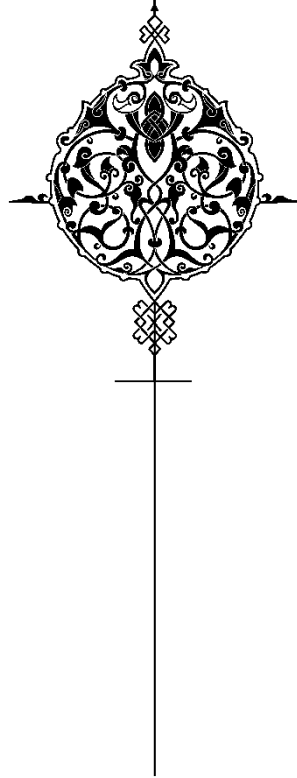
هر کس گمان کند که خداوند متعال دین را کامل نکرده، کتاب خدا را رد کرده است و کسی که کتاب خداوند را رد کند، کافر است».

شاید برخی بیمار دلان گمان کنند که خداوند دینش را کامل نفرموده است. طبق فرمایش حضرت اگر کسی چنین فکری داشته باشد، در واقع کتاب خدای متعال را تکذیب کرده است و بدین معناست که هر کس کتاب خدای متعال را تکذیب کند، خداوند را تکذیب کرده و چنین شخصی کافر است؛ چرا که کفر و تکذیب هر کدام از این دو، مستلزم کفر و تکذیب دیگری است.

غدیر، روز اکمال دین و اتمام نعمت با اعلان ولایت امیر مؤمنان علیه السلام است و همین اعلان بود که باعث شد کفار و منافقین از نفوذ در دین مأیوس شوند. بنابراین امر ولایت باید امر مهمی باشد که باعث یأس و ناامیدی کفار و منافقین شد؛ قطعاً نزول چند حکم نسبت به احکام عملی، نمی‌تواند از نفوذ کافران و منافقان جلوگیری کند و موجب یأس آنان شود.

۱. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۱، ص ۱۹۹.

منبر سوم



تشبیه انگاری و فروکاستن
از مقام امیرمؤمنان علیه السلام

متن زیارت

فَلَعَنَ اللَّهُ مَن سَاوَاكَ بِمَن نَّوَاكَ، وَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ:

﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾: ۱

ترجمه

پس خدا لعنت کند کسی که تو را با آن کسی برابر قرار داد که
با تو دشمنی کرد؛ درحالی که خدا می فرماید: «آیا کسانی که
می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟».

۱- ایمان به مقامات اهل بیت علیهم السلام

خداوند متعال در آیات ابتدایی سوره بقره، اولین ویژگی برای اهل تقوا را «ایمان به غیب» بیان می‌فرماید.^۱ برای ایمان به غیب در آیات مختلف قرآن و روایات متعدد، مصادیق بسیاری بر شمرده‌اند؛ مانند: فرشتگان، جزای آخروی و کيفری، بهشت و جهنم، حضرت مهدی علیه السلام و مقامات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. به عنوان نمونه نقل شده است:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب فرمود: «آیا می‌دانید میان خلق کیست که از همه برتر است؟ عرض کردند: فرشتگان، فرمود: «خیر». گفتند: پیامبران، حضرت فرمود: «منظور من غیر از انبیاء و اوصیاء است». پرسیدند پس چه کسانی؟ فرمود: «جماعتی که بعد از من بیایند و در حالی که مرا ندیدند و با

۱. ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ - الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (سوره بقره: آیات ۲-۳).

من همنشین نبودند و اعجاز مرا مشاهده نکردند؛ به من و مقام من ایمان بیاورند و بدان عمل کنند»^۱.

باور به مقام و جایگاه رفیع پیامبر ﷺ در حالی که در حجاب خلقت ظاهر پوشیده مانده است، یکی از مصادیق مهم ایمان به غیب و از ویژگی‌های اهل تقواست. اگرچه اهل کفر و دشمنان انبیاء، به پیامبران گذشته نیز همین طعنه را می‌زدند و آنها شبیه خود می‌پنداشتند و از همین رو ایمان به پیامبر را انکار می‌کردند.^۲ پیروان این تفکر با تمسک به برخی از آیات قرآن، پیامبر ﷺ را همانند سایر خلائق می‌دانستند و مقامات ماورایی حضرت را منکر می‌شدند: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾؛^۳ بگو: جز این نیست که من هم مانند شما بشرم (ولی) به من وحی می‌شود. در همین آیه نیز وجه تمایز پیامبر ﷺ به طور کامل بیان شده و آن هم عبارت است از اتصال به وحی. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه می‌فرماید: «رسول خدا تنها از این جهت شبیه مردم بود که مخلوق بود».^۴ بنابراین عده‌ای پیامبر ﷺ را شبیه به خود می‌پنداشتند.^۵

همین باور غلط نسبت به جانشینان پیامبر و به ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام

۱. تفسیر اثنی عشری، ج ۱، صص ۵۵ - ۵۶؛ طیب، سید عبدالحسین، تفسیر اطبیب البیان،

ج ۱، ص ۱۳۶.

۲. ﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَمَصَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ﴾ (سوره مؤمنون: آیه ۲۳).

۳. سوره کهف: آیه ۱۱۰.

۴. عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ: ﴿إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ﴾، قَالَ: «يَعْنِي فِي الْخَلْقِ أَنَّهُ مِثْلُهُمْ مَخْلُوقٌ» (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر التمی، ج ۲، ص ۴۷).

۵. ابن اثیر، محمد بن مبارک، النهاية في غريب الحديث واللاتر، ج ۴، ص ۱۶۴.

وجود داشت که در کنار حسادت به ایشان،^۱ منجر به انکار، کتمان و حذف فضائل اهل بیت علیهم السلام شد. این همه در حالی است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره فضائل امیرمؤمنان تمام آنچه را که می‌دانست بیان نفرمود و تنها به ذکر پاره‌ای از مقامات حضرت اکتفا کرد، چنان‌که فرمود: «اگر نمی‌ترسیدم که مردم درباره تو غلو کنند، همان‌گونه که نصاری در مورد عیسی بن مریم به غلو افتادند؛ درباره تو مطالبی می‌گفتم که مردم خاک پای تو را برای شفا بردارند».^۲

۲- گونه‌شناسی برخورد با فضائل امیرمؤمنان علیه السلام

دشمنان مقامات و فضائل امیرمؤمنان علیه السلام از زمان حضرت تا اکنون در مواجهه با مقامات و فضائل، روش‌های مختلفی داشته‌اند که گونه‌شناسی این دشمنی‌ها، خود نیازمند به تحقیق و تتبعی مستقل دارد. اما در این بخش تنها به چند روش و گونه اشاره می‌شود:

۲-۱. کتمان و چشم‌پوشی

عده‌ای از این گروه، چشمان خود را به صورت متعصبانه بر روی حقیقت فضائل حضرت امیر علیه السلام می‌بندند و به حذف یا سانسور آنها می‌پردازند. طبری که به عنوان یکی از بزرگترین تاریخ‌نگاران اهل سنت مشهور است، در کتاب تاریخ خود و در ذکر وقایع آخرین حج پیامبر صلی الله علیه و آله، هیچ اشاره‌ای به واقعه مهم غدیر نمی‌کند که روز اکمال دین و اتمام نعمت در قرآن کریم و عید مسلمانان نام‌گذاری شده است.

۱. بر اساس آیه ۵۴ از سوره نساء.

۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابیطالب، ج ۱، ص ۲۶۴.

۲-۲. انحراف از واقعیت

«بخاری» به سند خود از «عمر بن خطاب» نقل کرده که مردی از یهود به او گفت: «ای امیرالمؤمنین، آیه‌ای در کتاب شما وجود دارد که اگر بر ما جماعت یهود نازل شده بود آن روز را عید می‌گرفتیم. عمر گفت: کدامین آیه؟ او گفت: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾.^۱ عمر گفت: ما آن روز و مکانی را که این آیه بر پیامبر ﷺ نازل شد می‌دانیم؛ آن روز، روز عرفه و روز جمعه بود.^۲

عمر بن خطاب که خود در روز غدیر و در زمان نزول آیه حضور داشته و با امیرمؤمنان ﷺ بیعت کرده است، نزول آیه را در روز عرفه بیان می‌کند که یک مقام و فضیلتی را از حضرت به انحراف بکشاند. حال آن‌که با کمی تدبیر در خود آیه شریفه می‌توان دریافت که زمان نزول در روز عرفه بوده است یا غدیر؟ به راستی در عرفه چه اتفاق مهمی رخ داده است که اكمال دین، اتمام نعمت و رضایت خداوند به اسلام باشد و دشمنان از نفوذ در دین مأیوس شوند؟

۲-۳. سانسور و حذف

طبری نتوانسته است در سند حدیث یوم الدار خدشه کند، بلکه در صد تحریف متن برآمده است؛ چرا که وی این روایت را در تاریخ خود بدون هیچ تحریفی نقل کرده است، و عده‌ای دیگر نیز با همان سند این حدیث را

۱. سوره مائده: آیه ۳.

۲. بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۶.

نقل کرده‌اند، بدون آن‌که اعتراضی نسبت به سند آن داشته باشند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَغْلَمُ شَبَابًا فِي الْعَرَبِ جَاءَ قَوْمَهُ بِأَفْضَلِ [مِنْ] مَا جِئْتُكُمْ بِهِ، إِنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ أَدْعُوَكُمْ إِلَيْهِ، فَأَيُّكُمْ يُؤَاوِرُنِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ، عَلَى أَنْ يَكُونَ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ؟»^۱ ای بنی عبدالمطلب، به خدا سوگند، من جوانی را در عرب نمی‌شناسم که برای قومش چیزی بهتر آورده باشد از آن‌چه من آورده‌ام، من برای شما خیر دنیا و آخرت را آورده‌ام، و خداوند مرا امر کرده است که شما را به آن دعوت کنم. کدام یک از شما است که مرا به این امر کمک کند تا برادر و وصی و جانشین من در میان شما باشد؟».

ولی در تفسیر خود، به جای جمله «أَنْ يَكُونَ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي»، جمله «أَنْ يَكُونَ أَخِي وَ كَذَا وَ كَذَا»^۲ به کار برده است تا آن‌که بر سر مریدان خود کلاه بگذارد، مبدا به شیعه تمایل پیدا کنند. مگر این‌که گفته شود، این تحریف از ناحیه چاپ‌خانه‌ها صورت پذیرفته است نه از طرف طبری؛ ولی به هر صورت، اشکال از این ناحیه بر اهل سنت وارد است، که احادیث فضایل اهل بیت علیهم السلام را به جهت کلاه گذاشتن بر سر مریدان خود تحریف می‌کنند تا مبدا آن‌ها شیعه شوند.

همچنین نمی‌توان پذیرفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله از جمله «كَذَا وَ كَذَا» استفاده کرده باشد و با وعده‌های نامشخص، دیگران را به حمایت از خود

۱. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۲، ص ۳۲۱.

۲. طبری، جامع البیان، ج ۱۹، ص ۷۵.

دعوت کند؛ چرا که صرف برادری و وعده‌های مجهول، نمی‌تواند دیگران را به اطاعت بی‌چون و چرا از امیرالمؤمنین علیه السلام مجاب کند.

۲-۴. جعل و شبیه سازی

معاویه به سَمْرَةَ بنِ جُنْدَب مبلغ یکصد هزار درهم پیشنهاد می‌دهد تا این دروغ بزرگ را جعل کند که آیه شریفه ﴿مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ﴾؛^۱ «و از مردم کس وجود دارد که گفتارش در زندگی دنیا تو را به شگفت می‌آورد و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می‌گیرد در حالی که سرسخت‌ترین دشمنان است»؛ درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است و آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾؛^۲ «و از مردم کسی وجود دارد که جان خود را برای خشنودی خداوند می‌فروشد و خداوند به بندگان دلسوز و مهربان است»؛ درباره ابن مُلْجَم نازل شده است، ولی سَمْرَةَ بن جُنْدَب به این مبلغ راضی نشد، و معاویه همچنان بر آن افزود تا چهارصد هزار درهم شد و قبول کرد.^۳

۲-۵. تحریف در نقل

خطیب بغدادی در کتاب تاریخ خود می‌نویسد:
اسماعیل بن عیّاش گفته است: با حَرِيز از مصر تا مکه همراه بودم؛ پیوسته

۱. سوره بقره: آیه ۲۰۴.

۲. سوره بقره: آیه ۲۰۷.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۳.

از علی [علیه السلام] بد می‌گفت و حضرت را لعن می‌کرد و به من گفت: این روایتی که برای مردم نقل می‌کنی که پیامبر [صلی الله علیه و آله] به علی [علیه السلام] می‌گفت: «جایگاه تو نسبت به من مانند جایگاه هارون نسبت به موسی است»، این حدیث درست است، اما شنونده اشتباه کرده است!!!
گفتم: پس درست آن چیست؟ گفت: پیامبر گفته است: «جایگاه تو نسبت به من، مانند جایگاه قارون نسبت به موسی است»!!! گفتم: این را از چه کسی نقل می‌کنی؟ گفت: این را از ولید بن عبد الملک شنیدم که بالای منبر می‌گفت!^۱

۳- شکایت از تشبیه‌انگاری

حسادت و دشمنی نسبت به امیر مؤمنان علیه السلام حاصلی جز انکار یا عدم توجه به فضائل و مقامات حضرت نداشت تا جایی که حضرتش را با دیگران مساوی یا هم‌رتبه انگاشتند. حضرت در خطبه شقشقیه از این موضوع لب به شکایت گشوده و فرموده است: «فَبَا لَلَّهِ لَهُمْ وَ لِلشُّورَى مَتَى اغْتَرَضَ الرَّيْبُ فِي مَعِ الْأَوَّلِ مِنْهُمْ حَتَّى صِرْتُ أُفْرُنُ بِهَذِهِ النَّظَائِرِ؛^۲ خدای من، به تو پناه

۱. «قال إسماعيل بن عياش: رافقت حريزا من مصر الى مكة فجعل يسب عليا ويلعنه، وقال لي: هذا الذي يرويه الناس ان النبي [صلی الله علیه و آله] قال لعلی [علیه السلام]: انْت منّي بمنزلة هارون من موسى، حق، ولكن اخطا السامع. قلت: فما هو؟ قال: إنما هو: أنت منّي بمكان قارون من موسى، قلت: عمن ترويه؟ قال: سمعت الوليد بن عبد الملك يقوله على المنبر»؛ تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۶۲؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۲، ص ۳۴۹؛ تهذیب الکمال، مزی، ج ۵، ص ۵۷۷؛ تهذیب التهذیب، ابن حجر، ج ۲، ص ۲۰۹؛ تاریخ الإسلام، ذهبی، ج ۱۰، ص ۱۲۲؛ میزان الاعتدال، ذهبی، ج ۳، ص ۳۸۹ شماره: ۶۸۹۴.
۲. نهج البلاغه، خطبه سوم.

می‌برم از آنان و آن شورا، که چه غم انگیز و پرشور بود، چگونه مردم به تردید افتادند و مرا با نخستین ایشان (ابوبکر) برابر دانستند؟! تا امروز که با اینها هم‌ترازم سازند». همچنین نقل شده است که فرمود: «الذَّهْرُ أَنْزَلَنِي ثُمَّ أَنْزَلَنِي ثُمَّ أَنْزَلَنِي حَتَّى قِيلَ مُعَاوِيَةُ وَ عَلِيٌّ؟!؛ روزگار، مرتبه مرا پایین آورد، پایین آورد، پایین آورد تا جایی که مرا با معاویه برابر گردانید».

این در حالی است که پیامبر ﷺ نسبت به مقامات و جایگاه امیر مؤمنان هشدار داده بودند؛ رسول خدا ﷺ به عبدالرحمان بن عوف فرمود:

«أَنْتُمْ أَصْحَابِي وَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ، فَمَنْ قَاسَهُ بِغَيْرِهِ فَقَدْ جَفَانِي وَ مَنْ جَفَانِي، [فَقَدْ] آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ رَبِّي، يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ عَلَيَّ كِتَاباً مُبِيناً وَ أَمَرَنِي أَنْ أُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نَزَلَ إِلَيْهِمْ مَا خَلَا عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ، فَإِنَّهُ ﴿يَسْتَعْنِي عَنِ النَّبِيَانِ إِنَّ﴾ اللَّهُ تَعَالَى جَعَلَ فَصَاحَتَهُ كَفَصَاحَتِي، وَ دِرَآئَتَهُ كَدِرَآئَتِي، وَ لَوْ كَانَ الْجِلْمُ رَجُلًا لَكَانَ عَلِيًّا...»^۲

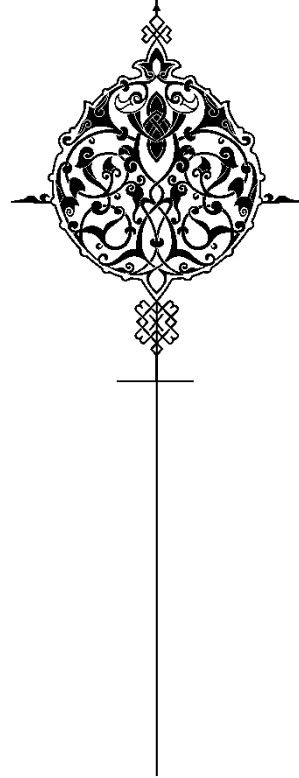
شما ملازمان و همراهان من هستید، و علی بن ابی طالب از من و من از علی هستم، هر کس او را به غیر من مقایسه کند به من جفا کرده است، و کسی که با من جفا کند در حقیقت مرا اذیت کرده است، و کسی که مرا اذیت کند خدا او را لعنت کند. ای عبدالرحمان، خداوند کتاب روشن و آشکاری را بر من نازل فرموده است و به من فرمان داده تا آن را برای مردم جز

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۲۰، ص ۳۲۶؛ مقدس اردبیلی، احمد، حدیقه الشیعة، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲. ابن شاذان، محمد بن احمد، مائة متقبه من مناقب أمير المؤمنين والأئمة ﷺ، صص ۱۳۵ - ۱۳۶.

علی بن ابی طالب بیان کنم، علی احتیاج به بیان و توضیح ندارد؛ زیرا خداوند فصاحت او را مثل فصاحت من قرار داده، و فهم و بینش او را همانند فهم من قرار داده است. اگر حلم و بردباری بخواهد به صورت مردی ظاهر شود، آن مرد علی خواهد بود».

منبر چهارم



شبی برای ایثار

متن زیارت

وَ أَشْبَهَتْ فِي الْبَيْتِ عَلَى الْفِرَاشِ الدَّبِيحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ أَجَبَتْ كَمَا
أَجَابَ وَ أَطَعَتْ كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلُ صَابِراً مُحْتَسِباً إِذْ قَالَ لَهُ: ﴿ يَا بُنَيَّ
إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ
سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴾^۱ وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَمَرَكَ أَنْ تَضَجَّ فِي مَوْقَدِهِ وَاقِياً لَهُ بِنَفْسِكَ
أَسْرَعْتَ إِلَى إِبَابَتِهِ مُطِيعاً وَ لِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوَطَّئاً فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى
طَاعَتَكَ وَ أَبَانَ عَنْ جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: ﴿ وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ
يُبْذِرُ نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ﴾^۲

ترجمه

در آرمیدن در بستر پیامبر به اسماعیل ذبیح (درود بر او) شبیه شدی؛
چه آنکه تو نیز مانند او قبول کردی، و اطاعت نمودی به همان صورت
که اسماعیل صابرا نه و پاداش خواهانه اطاعت کرد، وقتی که ابراهیم به
او گفت: «پسرم در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، بنگر که نظر تو
چيست؟» گفت: «پدر به آنچه دستور داده شده‌ای اقدام کن، اگر خدا
بخواهد مرا از بردباران خواهید یافت»، و تو نیز زمانی که پیامبر (درود
خدا بر او و خاندانش) در بسترش خوابانندت و به تو فرمان داد در
خوابگاهش بیارامی، و او را با جانیت از شر دشمنانش حفظ کنی،
فرمانش را پذیرفتی و به دعوتش شتافتی، و خود را برای شهادت آماده
کردی، در نتیجه خدا از فرمانبرداریت قدردانی کرد، و از کار زیبایت به
گفتارش در قرآن پرده برداشت، آنجا که فرمود: «و از مردم کسی است
که جاننش را برای بدست آوردن خشنودی خدا می‌فروشد».

۱. سوره صافات: آیه ۱۰۲.

۲. سوره بقره: آیه ۲۰۷.

۱- لَیْلَةُ الْمَبِیْتِ؛ نقطهٔ عطفی در اسلام

نگاهی به وقایع تاریخ اسلام نشان می‌دهد که لَیْلَةُ الْمَبِیْتِ که منجر به حفظ جان پیامبر عظیم‌الشان اسلام از خطر کشته شدن توسط کفار شد و سپس هجرت رسول خدا ﷺ، نقطهٔ عطفی در تاریخ اسلام است. شبی که کفار و مشرکان با هم پیمانی با یکدیگر برای کشتن و حذف پیامبر ﷺ در مکه سوگند یاد کردند. آنها تصمیم خود را برای ترور و نابودی آخرین پیامبر الهی گرفته و به تمام جوانب کار و عواقب آن هم فکر کرده بودند.

حفظ جان پیامبر خاتم ﷺ برای خداوند، بدون نیاز به کسی، عملی بود، ولی چه زمان و کجا باید عشق و فداکاری و شدت ایثار و شهادت طلبی امیرمؤمنان علیه السلام آشکار می‌شد؟ چه صحنه‌ای زیباتر از این ممکن بود که در آن، جمال پرجاذبهٔ علوی به نمایش گذاشته شود؟ بدیهی است پیامبر خدا ﷺ هم از هر کسی چنین درخواست نمی‌کرد تا در بستری بخوابد که شمشیرهای

تیز و بزّان دشمنان آن را تهدید می‌کرد. درخواست از حضرت علی علیه السلام برای انجام این کار، نشانه اوج صمیمیت و بیانگر وجود عالی‌ترین رابطه میان رهبران الهی بود. این رابطه و آن جاذبه، مقوله‌ای منحصر به فرد است. لیلۃ المبیت برای حضرت امیر علیه السلام، از جرقه‌های آغازین نمایش عشق و وفاداری به ساحت نبوی به شمار می‌رود.

۲- طرح و نقشه ترور پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله

مشرکان برای پیامبر صلی الله علیه و آله سه نقشه داشتند، چنانکه در آیه شریفه آمده

است:

﴿وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾^۱

«ای پیامبر به یاد بیاور زمانی را که کافران برای تو مکر می‌کردند (تا تو را از هدف خود که تبلیغ دین بود باز دارند)، یا تو را زمین گیر کنند، یا به قتل برسانند یا از شهر بیرون کنند، آنها مکر کردند و خداوند نیز مکر کرد و خداوند بهترین مکر کننده است.»

نقشه اول: پیامبر صلی الله علیه و آله را در مکه زمین گیر کنند، بدین صورت که او را یا به زندان بیافکنند، یا در خانه محبوس کنند؛ چنانکه ابن عباس و برخی دیگر در معنای ﴿لِيُثْبِتُوكَ﴾ چنین گفته‌اند: «لِيُثْبِتُوكَ فِي الْحَبْسِ وَ يَسْجُنُوكَ فِي بَيْتٍ»^۲. یا اینکه با ضرب و شتم او را خانه نشین کنند، چنانکه برخی از مفسران

۱. سوره انفال: آیه ۳۰.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۴، ص ۸۲۰.

این معنار از کلام عرب اخذ کرده‌اند: «صَرَبُوهُ حَتَّى أَتَبَّوْهُ لَا حَرَكَ بِيهِ؛ او را تا آنجا زدند که از پا درآوردند و بی حرکت شد».^۱

در این صورت نه کسی به پیامبر ﷺ دسترسی دارد و نه او با کسی ارتباط برقرار می‌کند. با این اقدام نه جنگی در می‌گیرد و نه خونی ریخته می‌شود که اسباب درگیری شود.

نقشه دوم: قتل پیامبر ﷺ بود که البته کشتن پیامبر ﷺ هم خطرات زیادی از جمله جنگ با بنی‌هاشم و مشکلات دیگر را پیش رو داشت، بنابراین مشرکان و دشمنان رسول خدا ﷺ در مکه برای همفکری و مشورت گرد هم آمدند.

اشراف و بزرگان قریش برای هم‌فکری در قتل پیامبر ﷺ در «دَارُالنَّدْوَةِ» جمع شدند. آنها از خاندان‌های بنی عبد شمس، نُوْفَل، عبد الدَّار، جمح، سهم، اسد، مخزوم و برخی از خانواده‌های مکه به جز خاندان‌های تهامه و بنی‌هاشم بودند؛^۲ چراکه مراقب بودند کسانی که با پیامبر ﷺ در ارتباط هستند، بسویی از این ماجرا نبرند.^۳

پس از آن قریش از میان ده یا پانزده قبیله خود، تعدادی را انتخاب کرد تا شبانه بر خانه پیامبر ﷺ وارد شوند و او را با شمشیرهایشان بکشند.^۴

۱. طبرسی، فضل بن حسن، «جوامع الجامع»، ج ۲، ص ۱۶.

۲. حمیری معارفی، عبدالملک بن هشام، «السيرة النبوية»، ج ۱، ص ۴۸۱؛ دیار بکری، حسین، «تاریخ الخمیس»، ج ۱، ص ۳۲۱؛ حلبی شافعی، ابوالفرج، «السيرة الحلبیه»، ج ۲، ص ۳۴.

۳. «قالوا: لا يدخلن معكم في المشاورة أحد من أهل تهامة لأن هاهم كان مع محمد صلى الله عليه وآله وسلم»؛ حلبی شافعی، ابوالفرج، «السيرة الحلبیه»، ج ۲، ص ۳۴.

۴. طبری، محمد بن جریر، «تاریخ الامم والملوک»، ج ۲، صص ۳۷۱ و ۳۷۲.

نقشه سوم: پیامبر ﷺ را از مکه خارج کنند. بیرون راندن پیامبر ﷺ از مکه آن هم با توجه به تبلیغ دین اسلام در بیرون از مکه نقشه‌ای مناسب به نظر نمی‌آمد.

۳- جان فروشی امیر مؤمنان ﷺ

پس از آن‌که مشرکان نقشه قتل پیامبر ﷺ را برنامه‌ریزی کردند و شبانه مهبای اجرای نقشه شوم خود شدند، خطر پیامبر ﷺ را تهدید می‌کرد. خطری در خانه و در بستر پیامبر ﷺ؛ چراکه آنها قصد ورود به خانه و کشتن او را داشتند. در شب اول ماه ربیع الاول، امیر مؤمنان ﷺ در اوج فداکاری و ایثار و در سن جوانی خود که حدود ۲۳ سال از عمر خویش را سپری کرده است در بستر پیامبر ﷺ برای حفظ جان حبیب و رسول خدا آرمید.

پیامبر ﷺ به امیر مؤمنان ﷺ فرمود: «مشرکان می‌خواهند امشب مرا به قتل برسانند، آیا تو در بستر من می‌خوابی تا من به غار شور بروم؟» امیر مؤمنان ﷺ گفت: «در این صورت شما سالم می‌مانید؟» پیامبر ﷺ فرمود: «آری». حضرت علی ﷺ تبسمی کرد و سجده شکر به جای آورد، وقتی که سر از سجده برداشت عرض کرد: «آنچه را که مأمور شده‌ای انجام ده که چشم، گوش و قلبم فدای تو باد...»^۱

سپس پیامبر ﷺ، جان خویش؛ یعنی علی بن ابیطالب ﷺ را در آغوش گرفت و هر دو گریه کردند و از هم جدا شدند.^۲

۱. علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۶۰.

۲. شیخ طوسی، الامالی، ص ۴۶۶.

احمد بن حنبل نیز نقل کرده است:

«علی رضی الله عنه جان خود را فروخت، لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله را پوشید، سپس در جایگاه او خوابید. گفت: مشرکان تا صبح مراقب بستر بودند به خیال این که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن است. در روایت است که بر سر علی رضی الله عنه مثل پیامبر صلی الله علیه و آله سنگ ریخته می شد و او از شدت درد به خود می پیچید، و سرش را با لباس پیچیده بود و بیرون نمی آورد تا صبح شد بعد سرش را بیرون آورد همین که شناختند، گفتند: چون ما تو را به جای محمد صلی الله علیه و آله گرفته بودیم، سنگ می انداختیم، بعد که شناختیم دیگر سنگ نمی اندازیم»^۱.

مشرکان با انداختن سنگ بر سر و بدن امیرالمؤمنین رضی الله عنه به جای پیامبر صلی الله علیه و آله قصد داشتند که پیامبر صلی الله علیه و آله را از خانه خارج کنند و ایشان را بیرون از خانه ترور کنند؛ چون مشرکان از ابتدای شب، خانه پیامبر صلی الله علیه و آله را محاصره کردند و قرار بود حمله در نیمه شب صورت گیرد، اما ابولهب گفت: در این وقت، زنان و فرزندان در داخل خانه هستند و بعدها عرب درباره ما می گویند حرمت فرزندان عموی خویش را شکستند.^۲

هرچه کردند، امیرمؤمنان که در بستر بود، از خانه بیرون نیامد و دست آخر به خانه ریختند و با حضرت به جای پیامبر مواجه شدند.

وقتی امیر مؤمنان رضی الله عنه در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابیده بود، جبرئیل در بالای سر او و میکائیل پایین پای او آمدند و جبرئیل گفت: «خوشا به حال کسانی چون تو ای فرزند ابو طالب! که خدا در برابر فرشتگان به تو مباحثات می کند».^۳

۱. سید ابن طاوس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج ۱، صص ۳۷ و ۳۸

به نقل از: احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۲۱.

۲. حلبی، السیرة الحلبیة، ج ۲، ص ۳۲.

۳. شیخ طوسی، الامالی، ص ۴۶۹؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۲۳.

جان فروشی امیر مؤمنان علیه السلام در لیلۃ المبیت در قرآن چنین بیان شده است:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾^۱

«و از مردم کسی وجود دارد که جان خود را برای خشنودی خداوند می فروشد (در راه خدا جانبازی می کند، مانند علی علیه السلام که در شب هجرت در جای پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید)، و خداوند به بندگان دلسوز و مهربان است.»

۴- هجوم به خانه

صبح که با شمشیرهای برهنه به خانه هجوم بردند، وقتی علی علیه السلام را در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله مشاهده کردند، گفتند: محمد صلی الله علیه و آله کجاست؟ علی علیه السلام فرمود: «مگر او را به من سپرده بودید که از من می خواهید؟ کاری کردید که او ناچار شد خانه را ترک کند». در این هنگام به سوی علی علیه السلام یورش بردند و او را آزدند و سپس از خانه بیرون کشیدند و کتک زدند. ساعتی هم در مسجد الحرام زندانی کردند، سپس آزادش کردند.^۲

در نقل دیگری آمده است که امیر مؤمنان علیه السلام وقتی آنان را مشاهده کرد که شمشیرهایشان را کشیده اند و به سوی وی می آیند، با ترفندی شمشیر خالد بن ولید را که در پیشاپیش همه بود، گرفت و آنان را از خود دور کرد. آنها گفتند: ما با تو کاری نداریم، ولی بگو که محمد صلی الله علیه و آله کجاست؟ فرمود: من اطلاعی از وی ندارم. پس قریشیان به جست و جوی رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداختند.^۳

۱. سوره بقره، آیه ۲۰۷.

۲. علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۹۲.

۳. شیخ طوسی، الامالی، ص ۴۶۷.

۵- لیلۃ المبیت در کلام مولا

خود امیر مؤمنان علیه السلام در بیان واقعه چنین فرموده است:

«پیامبر صلی الله علیه و آله مرا با خبر کرد و فرمان داد که در بسترش بخوابم و با جانم از او محافظت کنم. به سرعت و از سر اطاعت و شادمانی از اینکه به پای او کشته می‌شوم، به این امر مبادرت کردم. پس پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و من در خوابگاهش خوابیدم و مردان قریش روی آوردند و یقین داشتند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را می‌کشند. پس چون در اتاقی که من بودم روبه روی هم قرار گرفتیم، با شمشیرم در برابرشان ایستادگی کردم و آن گونه که خدا و مردم می‌دانند، آنان را از خود راندم».^۱

۶- اثبات افضلیت و نکات مهم

واقعه لیلۃ المبیت و نزول آیه قرآن از جانب خداوند در مورد جان‌فروشی و ایثار امیر مؤمنان علیه السلام از جهات متعددی اهمیت دارد، چنان‌که بسیاری از عالمان با توجه به این آیه، افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز ثابت کرده‌اند. برخی از این نکات مهم عبارتند از:

الف. اطاعت از دستور خداوند

مرحوم شیخ طوسی در کتاب شریف *مالی*، از ابن عباس روایت کرده است که دستور خداوند بود که در آن شب، پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر خویش ن خوابد و امیر مؤمنان علیه السلام را مأمور کند که به جای خود در بستر بخوابد. حضرت نیز اطاعت امر الهی را انجام داد و در بستر پیامبر خوابید.^۲

۱. شیخ صدوق، *خصال*، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۵۸.

۲. «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: اجْتَمَعَ الْمُشْرِكُونَ فِي دَارِ النَّدْوَةِ لِيَسْأَوْرُوا فِي أَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله،

خداوند نیز در قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾^۱

و هر کس که خدا و رسولش را اطاعت کند، حقیقتاً رستگار شده است.

ب. مصداق شراء نفس

با توجه به این آیه می‌توان ثابت کرد که مصداق کامل شراء نفس و جان فروشی در راه خداوند متعال، امیرالمؤمنین علیه السلام است. چنان‌که برخی از عالمان اهل سنت نیز به این فضیلت اعتراف کرده‌اند.

فخر رازی از علمای بزرگ اهل سنت این آیه را مصداق بذل تمامی دنیا و جان در مقابل طلب دین، می‌داند:

«إِعْلَمَ أَنَّهُ تَعَالَى لَمَّا وَصَفَ فِي الْآيَةِ الْمُتَقَدِّمَةَ حَالَ مَنْ يَبْدُلُ دِينَهُ لَطَلَبِ الدُّنْيَا، ذَكَرَ فِي هَذِهِ الْآيَةِ حَالَ مَنْ يَبْدُلُ دُنْيَاهُ وَنَفْسَهُ وَ مَالَهُ لَطَلَبِ الدِّينِ، فَقَالَ: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾^۲؛

→ فَأَتَى جَبْرِئِيلُ عليه السلام رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَأَخْبَرَهُ الْخَبَرَ، وَأَمَرَهُ أَنْ لَا يَنَامَ فِي مَضْجِعِهِ تِلْكَ اللَّيْلَةَ، فَلَمَّا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْمَبِيتَ أَمَرَ عَلِيًّا عليه السلام أَنْ يَبِيتَ فِي مَضْجِعِهِ تِلْكَ اللَّيْلَةَ، فَبَاتَ عَلِيُّ عليه السلام وَتَعَشَّى بِبُرْدٍ أَحْضَرَ حَضْرَمِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَنَامُ فِيهِ، وَجَعَلَ السَّيْفَ إِلَى جَنْبِهِ، فَلَمَّا اجْتَمَعَ أَوْلِيَاكَ النَّفْرُ مِنْ فَرِيشِ يَطُوفُونَ وَ يَرْضُدُونَهُ وَ يَرِيدُونَ قَتْلَهُ، فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ هُمْ جُلُوسٌ عَلَى الْبَابِ، عَدَدُهُمْ خَمْسَةٌ وَ عَشْرُونَ رَجُلًا، فَأَخَذَ حَفْنَةً مِنَ الْبَطْحَاءِ ثُمَّ جَعَلَ يَدْرُهَا عَلَى رُءُوسِهِمْ هُوَ يَقْرَأُ «يَسُ وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ» حَتَّى بَلَغَ «فَأَعَشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يَبْصُرُونَ» فَقَالَ لَهُمْ قَائِلٌ: مَا تَنْظُرُونَ قَدْ وَ اللَّهِ خَبِثْتُمْ وَ حَسِبْتُمْ، وَ اللَّهُ لَقَدْ مَرَّ بِكُمْ وَ مَا مِنْكُمْ رَجُلٌ إِلَّا وَ قَدْ جَعَلَ عَلَى رَأْسِهِ تُرَابًا. فَقَالُوا: وَ اللَّهِ مَا أَبْصُرْنَا. قَالَ: فَأَنْزَلَ اللَّهُ (عَرَّ وَ جَلَّ) «وَ إِذْ يَنْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُنِيبُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرُجُوكَ وَ يَنْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»؛ شيخ طوسي، الامالي، ص ۴۴۵.

۱. سوره احزاب: آیه ۷۱.

۲. فخر الدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۵، ص ۳۴۹.

بدان که در آیه قبل درباره افرادی که دین خود را می دهند تا دنیا را به دست آورند، صحبت شد و این آیه در مورد کسانی است که دنیای خود را فدا می کنند تا دین را طلب کنند و به دست آورند، پس خداوند فرمود: «و از مردم کسی وجود دارد که جان خود را برای خشنودی خداوند می فروشد».

منبر پنجم

مؤمنان و یاران غدیر، کم اما محکم



متن زیارت

ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ فَقَالُوا بَلَىٰ، فَأَخَذَ بِيَدِكَ وَقَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»، فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَىٰ نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ وَمَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ إِلَّا تَجَبُّرٌ وَتَضَلِيلٌ وَلَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ وَلَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَىٰ الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾؛^۱

ترجمه

سپس به مردم خطاب کرد: آیا من آن نیستم که به مؤمنان از خود آنان سزاوارترم؟ گفتند: آری، پس دست تو را گرفت، و فرمود: هر که را که من مولای اویم، پس این علی مولای اوست، خدایا دوست بدار هر که او را دوست دارد، و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد، و یاری کن کسی را که یاری اش کند، و خوار کن هر که خوارش سازد. پس به آنچه خدا درباره تو بر پیامبرش نازل کرد، ایمان نیاورد جز عده ای اندک، و اکثرشان را نینفزد جز زیانکاری، پیش از آن نیز خدا در حق تو این آیه را نازل کرد در حالی که آنان دوست نداشتند: ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از دین خود برگردد (زیانی به خدا نمی زند) خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنها را دوست دارد و آنها نیز او را دوست دارند، در برابر مؤمنان رام و خاضعند و در برابر کافران مقتدر و پیروز، در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی هراسند. این (ایمان و محبت و شهادت) فضل خداوند است که به هر کس بخواهد می دهد و خداوند (از نظر وجود و توان و رحمت) گسترده است و دانا.

۱- اقلیت پیروان حق در تاریخ

در طول تاریخ و در طی زمان‌های گذشته تا اکنون، پیوسته جبهه حق مقابل باطل وجود داشته است، اما نکته مهم، کم بودن افراد جبهه حق مقابل اهل باطل بوده است و این که اکثریت مردم در زمان‌های مختلف پیرو باطل بودند و پیروان حق و حقیقت، همیشه در اقلیت. اگرچه انسان بر اساس فطرت پاک خود حق گراست و باطل را طرد می‌کند، اما التزام به حق و پایبندی به آن دشوار است؛ چراکه برای پیروان حق تعهدآور است و با روحیه راحت طلبی و بی تفاوتی ناسازگار.

مهم آن است که کم بودن افراد جبهه حق در طول تاریخ وجود داشته است و نباید دلیلی برای رها کردن آن باشد. این مهم در بسیاری از آیات قرآن کریم مورد اشاره است. در مورد پیروان حضرت نوح علیه السلام آمده است: ﴿وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ﴾^۱؛ جز عده کمی به حضرت نوح علیه السلام ایمان نیاوردند.

۱. سوره هود: آیه ۴۰.

همچنین خداوند متعال در مورد اقوام گذشته نسبت به پیامبران فرموده است: ﴿وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ﴾؛^۱ «و برای بیشترشان هیچ (پایبندی و) عهدی نیافتیم و همانا بیشترشان را فاسق و نافرمان یافتیم».

خداوند متعال در این مسیر به پیامبر خویش دلداری می دهد که از فراوانی شمار غیر مؤمنان اندوهگین نشود: ﴿وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ﴾؛^۲ «(ای پیامبر،) و بیشتر مردم هر چند حریص (به ایمان آنها) باشی ایمان آورنده نیستند».

این آیات قرآن کریم، خلوت بودن مسیر حق و پُر جمعیت بودن مسیر باطل را دلیلی برای انتخاب نیست و نباید به دلیل کمی جبهه حق، آن را ترک کرد. چنان که امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

«يَا مَعْشَرَ النَّاسِ، لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ؛ اگر گروه مردم، در مسیر حق و هدایت، به دلیل کمی طرفداران آن وحشت زده نشوید».^۳

۲- حضور حداکثری؛ ایمان حداقلی

در واقعه غدیر در سال دهم هجری و در روز هجدهم ذی الحجة، جمعیت بسیاری در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشتند. در مورد تعدا حاضران در غدیر اقوال مختلفی نقل شده است. مرحوم عیاشی در تفسیر خود از

۱. سوره اعراف: آیه ۱۰۲.

۲. سوره یوسف: آیه ۱۰۳.

۳. تقفی، ابراهیم بن محمد، *الفارات*، ج ۲، ص ۵۸۴.

امام صادق علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود: «من تعجب می‌کنم از این که شخص با آوردن دو شاهد حقش را می‌گیرد، اما علی بن ابی طالب علیه السلام با ده هزار شاهد حقش ضایع شد. پیامبر صلی الله علیه و آله از مدینه خارج شد در حالی که پنج هزار نفر از مدینه همراه وی بودند و پنج هزار نفر هم از مکه پیامبر صلی الله علیه و آله را همراهی کردند»^۱.

طبق این روایت، حداقل پنج هزار نفر از جمعیت حاضران در غدیر، از اهالی مدینه بودند و در غدیر پس از شنیدن خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله و به دستور ایشان با امیر المؤمنین علیه السلام بیعت کردند.

قطعاً در میان این پنج هزار نفری که از مدینه در حج کنار پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر بودند و در مسیر بازگشت و در راه مدینه، در غدیر خم شاهد و بیعت کننده هستند، بزرگان صحابه نیز حضور دارند که اسامی بسیاری از ایشان در روایات و نقل‌های تاریخی موجود است.

پس به راستی چه اتفاقی می‌افتد که بیعت باشکوه در غدیر خم در طی گذشت کمتر از سه ماه به تنهایی و غربت امیر المؤمنین علیه السلام منجر می‌شود.

در رویدادهای پس از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله، کم بودن هواخواهان جبهه حق نمایان شد. وقتی محمود بن لبید در کنار مزار شهدای اُحد و حمزه سیدالشهداء علیه السلام با حضرت فاطمه علیه السلام ملاقات کرد، از ایشان پرسید:

«هَلْ نَصَّ رَسُولُ اللَّهِ قَبْلَ وَقَاتِهِ عَلِيٌّ بِالْإِمَامَةِ؟ أَيَا پیامبر،

حضرت علی را به عنوان جانشین خود به روشنی برای مردم شناسانده است؟» یعنی نصی و نشانه روشن بر امامت ایشان دارد؟

۱. عیاشی، التفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۳۲.

در این هنگام بود که حضرت فاطمه علیها السلام در کمال تعجب و شگفتی و با حسرتی فراوان و سینه‌ای مالمال از درد و اندوه فرمود: «وَأَعْجَبَاهُ، أَنْسَيْتُمْ يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ...»^۱.

اینکه حضرت فاطمه علیها السلام از فراموشی غدیر در میان مردم شگفت‌زده می‌شود، معنای مهمی دارد. در روزگاری که عرب به حافظه شفاهی مشهور است و اشعار صدها سال گذشته را به راحتی می‌خواند و از جزئیات گذشته تاریخی خود گزارشی می‌دهد که سالیان دوری به وقوع پیوسته، چگونه می‌شود که واقعه‌ای مهم با آن همه تشریفات را که در چند ماه پیش رخ داده فراموش کرده است؟ واقعه‌ای با تشریفات ذیل:

- وقوع در آخرین حج عمر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛
- فراخوانی همگان در یک مکان مشخص؛
- اقامت سه روزه در بیابان جُحفه با هوایی گرم و آبی نسبتاً اندک؛
- نزول آیات متعدد و مأمور ساختن پیامبر صلی الله علیه و آله به ابلاغ امر مهم؛
- قرائت خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله و دستور به ابلاغ حاضران به غایبان و پدران و مادران به فرزندان؛
- اعلام ولایت امیر مؤمنان علیه السلام و بالا بردن دست ایشان در مقابل همگان؛
- بستن عمامه خویش بر سر مبارک امیر مؤمنان علیه السلام بر فراز منبر؛
- دستور به بیعت همگانی با امیر مؤمنان علیه السلام اعم از پیر و جوان و مرد و زن؛
- نزول آیه اکمال دین و اتمام نعمت و ناامیدی کفار از دین.

۱. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النض علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۱۱۹.

رویدادی که محوریت آن ولایت پس از پیامبر ﷺ است؛ چگونه بعد از گذشت چند ماه فراموش می‌شود؟ پاسخ این پرسش را باید در بروز دشمنی‌ها و حسادت‌ها نسبت به امیر غدیر یافت.

۳- بروز دشمنی‌ها

پس از فرمان پیامبر ﷺ مبنی بر بیعت عمومی و عدم تخلف حتی یک نفر از جمعیت، عده‌ای به فکر فرار و بیعت نکردن افتادند. در آن روز چه بسا مهم‌تر از بیعت مؤمنان، بیعت اهل نفاق بود که در حضور همگان با امیر مؤمنان ﷺ به عنوان ولی مردم بیعت کنند. هم‌زمان با آماده سازی مراسم بیعت پیامبر ﷺ اطلاع یافت که چند نفر از بزرگان منافقین برای فرار از بیعت از غدیر خارج شده و به سمت جحفه حرکت کرده‌اند. حضرت فوراً افرادی را سراغ آنان فرستاد و آنان را بازگرداند و با شدت و خشم آنان را مورد مؤاخذه قرار داد.^۱

ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر، معاویه، مغیره و ابوموسی اشعری از جمله افرادی بودند که پیامبر ﷺ تأکید خاصی بر بیعت ایشان داشت. رسول خدا ﷺ به ابوبکر و عمر فرمود: «ای پسر ابی قحافه و ای عمر، با علی بر صاحب اختیاری و امیرالمؤمنین بودن بعد از من بیعت کنید». آنها سؤال کردند: آیا این امر از طرف خدا و رسولش است یا از طرف رسولش؟! حضرت فرمود: «آیا چنین امری از طرف غیر خدا امکان دارد؟ بلی، امری از

۱. علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۲۶، ۱۶۹، ۲۴۸، ج ۳۷، ص ۱۲۰ و ۳۱۱.

طرف خدا و رسولش که او امیر المؤمنین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین است. در روز قیامت، خدا او را بر پل صراط می‌نشانند تا دوستانش را وارد بهشت و دشمنانش را وارد جهنم نماید».

آنگاه همه آنها با پیامبر بیعت کردند. حضرت از آنان اقرار گرفت و آنان گفتند: شنیدیم و اطاعت خدا و رسول را پذیرفتیم. حضرت پرسید: خدا و رسولش بر شما شاهد باشند؟ گفتند: آری.

سپس به خیمه امیر مؤمنان آمدند با آن حضرت دست بیعت دادند و با جمله «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» به آن حضرت سلام کردند و به حضرتش تبریک گفتند. از بین آنان عمر جلو آمد و دست بر کتف حضرت امیر گذاشت و گفت: «يَخُ بَخُ لَكَ يَا عَلِيُّ، أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ؛ گوارایت باد ای پسر ابوطالب، خوشا به حالت که ای پسر ابوطالب، اکنون مولای من و هر مرد و زن مؤمنی شدی»^۱.

آنها اندکی از خیمه فاصله نگرفته بودند که آتش کینه و حسادت در دل‌هایشان زبانه کشید و گفتند که اگر پیامبر از دنیا رود بین او و اهدافش فاصله می‌اندازیم. جبرئیل خبر این دهن کجی را به پیامبرش با نزول آیات ذیل داد:

﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ - وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَضَتْ غَزَاهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ...﴾^۲

۱. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج ۲، ص ۸۲۹.

۲. سوره نحل: آیه ۹۱ و ۹۲.

و به عهد خدا آنگاه که پیمان بستید وفادار باشید و سوگندها را پس از استوار ساختنش نشکنید؛ زیرا که خدا را بر خودتان کفیل (وگواه وضامن) قرار داده‌اید. همانا خداوند می‌داند آنچه انجام می‌دهید. و مانند آن زن نباشید که بافته خویش را پس از محکم بافتن، رشته رشته می‌کرد، سوگندهای خود را دستاویز (فریب و خیانت) میان خودتان می‌گیرد به خیال آنکه گروهی از گروه دیگری بیشتر است...

۴- رسوایی دشمنان

جوانی از انصار به نام «بُریدهَ اَسلمی»، سخنان ابوبکر و عمر را شنید. او به آنان گفت: مگر پیامبر چه فرموده که شما گفتید: به سلامتی انجام نمی‌شود؟! ابوبکر و عمر به او گفتند: تو را چه به این سخنان؟! از ما دور شو! بُریده گفت: به خدا قسم، برای خدا و رسولش دلسوزانه رفتار نکرده‌ام اگر از کنار این مطلب بگذرم! به خدا قسم سخن شما را شنیدم و آنچه گفتید را به اطلاع پیامبر خواهم رساند. آن دو او را قسم دادند که به حضرت خبر ندهد، ولی بُریده نپذیرفت. گفتند: هر کاری می‌خواهی انجام بده؛ به خدا قسم، در این صورت برای پیامبر قسم یاد خواهیم کرد و او ما را تصدیق می‌کند و تو را تکذیب.

سپس به خیمهٔ پیامبر ﷺ آمد و اجازه گرفت و داخل شد و گفت: «پدر و مادرم به فدایت یا رسول الله، ابوبکر و عمر از نزد شما خارج شدند در حالی که می‌گفتند: به خدا قسم هرگز چیزی از آنچه گفت برایش به سلامتی به نتیجه نخواهد رسید». پیامبر ﷺ فرمود: «تو را به خدای کعبه این را گفتند؟! خداوند آنچه آنان گفتند را به من خیر داده بود. آنان را نزد من بیاورید».

آنان را آوردند و حضرت پرسید: «لحظاتی پیش چه گفتید و باعث شد آن سخنان را بگویند؟»، گفتند: قسم به خدایی که جز او خدایی نیست، ما چیزی نگفتیم!

پیامبر ﷺ فرمود: «به خدا قسم، این جوان از شما راستگوتر است، و خدا هم گفته شما را به من خبر داده و درباره این انکار شما آیه‌ای را نازل کرده است». سپس حضرت آیه ذیل را قرائت کردند: ﴿يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا...﴾؛ «به خدا قسم، یاد می‌کنند که نگفته‌اند در حالی که سخن کفر را بعد از اسلام‌شان بر زبان جاری ساخته‌اند و تصمیم بر کاری گرفتند که به آن نرسیدند و از چیزی ناراحت نبودند جز آن‌که خدا و رسولش او را از فضل خویش مستغنی سازند. پس اگر توبه کنند برای آنان بهتر خواهد بود و اگر اعراض کنند خداوند آنان را به عذاب دردناکی در دنیا و آخرت مُعَذِّب می‌نماید، و آنان در زمین دوست و یابوری نخواهند داشت».^۲

۵- خاسران در غدیر

امام هادی علیه السلام در این فقره از زیارت غدیر به همین حقیقت اشاره می‌فرماید:

«فَمَا أَمَّنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَى نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ وَمَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ إِلَّا تَجَبُّرٌ وَ تَضَلِيلٌ وَلَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ؛

۱. سوره توبه: آیه ۷۴.

۲. جمعی از علما، الاصول الستة عشر، ص ۱۱۸.

پس به آن چه خدا درباره تو بر پیامبرش نازل کرد، ایمان نیاورد جز عده‌ای اندک، و اکثرشان را نيفزود جز زیانکاری».

عدهٔ قلیلی به آنچه خداوند متعال در غدیر بر پیامبرش نسبت به ولایت امیرمؤمنان نازل کرد ایمان آوردند. بیشتر آنان خاسران غدیرند که نه تنها به حقیقت ولایت امیرمؤمنان در غدیر ایمان نیاوردند، بلکه نسبت به آن دشمنی‌های فراوانی داشتند.

بنابراین ملاک حقانیت، «ما أَنْزَلَ اللَّهُ» است که در غدیر اتفاق افتاد، نه جمعیت و طرفداران. چه بسا که هواخواهان جبههٔ باطل بیشتر و مسیر ضلالت شلوغ‌تر هم باشد.

سپس امام هادی علیه السلام به وعدهٔ تخلف‌ناپذیر خداوند اشاره کرده که کفر و ارتداد عده‌ای به طریق حق و صراط مسقیم الهی ضربه‌ای نخواهد زد؛ چرا که خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد (زیانی به خدا نمی‌زند) خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنها را دوست دارد و آنها نیز او را دوست دارند، در برابر مؤمنان رام و خاضعند و در برابر کافران مقتدر و پیروز، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسند. این (ایمان و محبت و شهادت) فضل خداوند است که به هر کس

۱. سوره مائده: آیه ۵۴.

بخواهد می‌دهد و خداوند (از نظر وجود و توان و رحمت) گسترده است و دانا. امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه فرمود: «منظور امیر مؤمنان علی علیه السلام و شیعیان اویند».^۱

خداوند در این آیه، به جای این گروه کافر و مرتد، قومی را خواهد آورد که ویژگی‌های ذیل در وجودشان نهفته است:

۱. محبوب خداوند هستند و آنها نیز خداوند را دوست دارند؛
۲. در راه حق و صراط مستقیم الهی ملامت سرزنش کنندگان در آنان اثری نخواهد گذاشت؛ چراکه جنگ روانی، در مؤمنان واقعی اثری ندارد؛
۳. در برابر اهل ایمان و مؤمنان متواضع و نرم‌خو هستند؛
۴. در مقابل جبهه کفار و دشمنان سرسختانه اهل مقاومتند؛ زیرا کسی که ایمان واقعی دارد، هرگز در برابر کافران احساس حقارت نمی‌کند.

۱. سید هاشم بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۳۱۵.

فهرست منابع

١. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد: محمد بن محمد بن نعمان عكبري بغدادى، معروف به شيخ مفيد (م ٤١٣ هـ)، تحقيق: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول ١٤١٣ هـ دارالمفيد.
٢. الأمالى: أبو جعفر محمد بن حسن طوسى (م ٤٦٠ هـ)، چاپ اول ١٤١٤ هـ تحقيق: قم الدراسات الإسلامية فى مؤسسة البعثة نشر، دار الثقافة - قم.
٣. اعيان الشيعة: السيد محسن الامين (م ١٣٧١ ق)؛ دار التعارف بيروت.
٤. البداية و النهاية: أبو الفداء اسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقى (م ٧٧٤)، بيروت، دار الفكر، ١٩٨٦ / ١٤٠٧.
٥. بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار: محمد باقر مجلسى (م ١١١١ ق)، چاپ دوم ١٤٠٣ ق / ١٩٨٣ م، مؤسسة الوفاء، بيروت - لبنان.
٦. بشارة المصطفى لشيعته المرتضى: أبو جعفر محمد بن أبى القاسم محمد بن على طبرى (م ٥٢٥ هـ)، تحقيق: جواد قيسومى اصفهانى، چاپ اول ١٤٢٠ هـ مؤسسه نشر اسلامى - قم.
٧. البرهان في تفسير القرآن: سيد هاشم بحرانى (م ١١٠٧ ق)، چاپ ١٤١٦ ق، بنياد بعثت - تهران.

۸. *تاریخ الامم والملوک (تاریخ الطبری)*: أبو جعفر محمد بن جریر الطبری (م ۳۱۰ ق)، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، چاپ دوم ۱۳۸۷ هـ، دارالتراث، بیروت.
۹. *تاریخ مدینه دمشق - تاریخ ابن عساکر*: أبو القاسم علی بن حسین بن هبة الله شافعی، معروف به ابن عساکر (م ۵۷۳ هـ)، تحقیق: علی شیری، چاپ ۱۴۱۵ هـ، دارالفکر.
۱۰. *تاریخ بغداد*: أبو بکر أحمد بن علی خطیب بغدادی (م ۴۶۳ هـ)، دار الکتب العلمیة - بیروت.
۱۱. *تذکرة الخواص*: یوسف بن قزغلی بن عبدالله بغدادی بسط ابن جوزی (م ۶۵۴ هـ)، مکتبۃ نبوی الحدیثه - تهران.
۱۲. *تفسیر جوامع الجامع*: أبو علی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ هـ)، چاپ ۱۳۷۷ ش، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۳. *تفسیر فرات الکوفی*: فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی (م ۳۵۲ هـ)، تحقیق: محمد کاظم، چاپ اول ۱۴۱۰ هـ / ۱۹۹۰ م، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. *تفسیر القمی*: علی بن ابراهیم قمی (م ۳۲۹ هـ)، مصحح: سید طیب جزایری، چاپ سوم ۱۴۰۴ هـ مؤسسه دارالکتاب - قم.
۱۵. *تفسیر العیاشی*: محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی السمرقندی؛ مؤسسه اعلمی بیروت؛ ۱۴۱۱ ق.
۱۶. *جامع البیان فی تفسیر القرآن*: أبو جعفر محمد بن جریر الطبری (م ۳۱۰ ق)، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. *الخصال*: أبی جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ)، تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. *الذریعه*: آقا بزرگ طهرانی؛ بیروت؛ دارالاضواء.
۱۹. *السیرة النبویة*: ابن هشام حمیری معافری (م ۲۱۸ ق)، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.
۲۰. *شرح نهج البلاغه*: عزالدین أبو حامد بن هبة الله بن محمد بن محمد بن حسین ابن أبی الحدید مدائنی معتزلی (م ۶۵۵ هـ)، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، چاپ اول ۱۳۷۸ هـ / ۱۹۵۹ م، دار إحياء الکتب العربیة - القاهرة.

۲۱. *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازلة فی اهل البیت*: عبیدالله بن احمد، معروف به حسکانی (قرن پنجم)، تحقیق: محمد باقر محمودی، چاپ اول ۱۴۱۱ هـ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۲. *صحیح بخاری*: محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ هـ)، دار الفکر - بیروت.
۲۳. *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*: سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (م ۶۶۴ هـ)، چاپ ۱۴۰۰ هـ، مطبعة الخيام - قم.
۲۴. *الکافی*: أبو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی (م ۳۲۹ هـ)، تعلیقه: علی اکبر غفاری، دارالکتاب الاسلامی - تهران.
۲۵. *الکامل فی التاريخ*: عزالدین أبو الحسن علی بن أبی الکریم معروف به ابن اثیر (م ۶۳۰ هـ)، چاپ ۱۳۸۵ هـ، دار صادر، بیروت.
۲۶. *کتاب سلیم بن قیس هلالی*: أبو صادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی (م ۷۶ هـ)، تحقیق: محمد باقر انصاری زنجانی خوئینی، چاپ اول ۱۴۱۵ هـ، مؤسسه نشر الهادی.
۲۷. *الکنی واللقاب*: شیخ عباس قمی؛ مکتبة الصدر؛ ۱۳۹۷ ق.
۲۸. *الفهارات*: أبو اسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی اصفهانی (م ۲۸۳ هـ)، چاپ ۱۴۱۰، مؤسسه دار الکتب، قم.
۲۹. *المحاسن*: أبو جعفر أحمد بن محمد بن خالد بن عبد الرحمن بن محمد بن علی برقی (م ۲۷۴ هـ)، چاپ ۱۳۷۱، دارالکتب الإسلامية، قم.
۳۰. *مسند أحمد بن حنبل*: أحمد بن محمد بن حنبل، أبو عبدالله شیبانی (م ۲۴۱ هـ)، دار صادر - بیروت.
۳۱. *المزار: ابن المشهدی*، محمد بن جعفر، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۹ هـ.
۳۲. *معانی الاخبار*: أبی جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ)، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ اول ۱۳۶۱ هـ، انتشارات اسلامی.
۳۳. *مفاتیح الغیب*: فخرالدین رازی ابو عبدالله محمد بن عمر (قرن ۶)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.

۳۴. *المفردات في غريب القرآن*: حسين بن محمد راغب اصفهاني (م قرن ۶)، دارالعلم الدار الشامي، دمشق، ۱۴۱۲ ق.
۳۵. *مقاتل الطالبين*: أبو الفرج علي بن حسين بن محمد اصفهاني (م ۳۵۶ هـ)، تحقيق: احمد صقر، چاپ دوم ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۷ م، مؤسسة الاعلمي - بيروت.
۳۶. *مناقب آل أبي طالب* عليه السلام: أبو جعفر محمد بن علي بن شهر آشوب مازندراني (۵۸۸ هـ)، تحقيق: گروهی از اساتید نجف اشرف، چاپ ۱۳۷۶ هـ / ۱۹۵۶، مطبعة الحيدرية - النجف.
۳۷. *مجمع البيان في تفسير القرآن*: أمين الاسلام أبي علي فضل بن حسن طبرسي (م ۵۶۰ هـ)، تحقيق: گروه تحقيق، چاپ اول ۱۴۱۵ هـ، منشورات مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت.
۳۸. *نهج البلاغه*: تحقيق: شيخ محمد عبده، دارالمعرفة - بيروت.

آزمون تستی برای مرور دوباره کتاب

۱. زیارت غدیریه از کدام امام معصوم نقل شده است؟
- (الف) امام صادق علیه السلام (ب) امام رضا علیه السلام
(ج) امام هادی علیه السلام (د) امام باقر علیه السلام
۲. دلیل انتخاب زیارت غدیریه برای بیان فضائل امیرمؤمنان علیه السلام چیست؟
- (الف) گستردگی زیارت در مقابل روایات (ب) پرکاربرد بودن زیارت
(ج) حفظ و ایمن سازی عقیدتی جامعه (د) همه موارد
۳. بر اساس روایات، کدام رکن و پایه ارجمندی است که اگر نباشد، استوار بودن دین هم از بین می‌رود؟
- (الف) نبوت (ب) ولایت
(ج) ایمان (د) عمل صالح

۴. بر اساس روایت امام رضا علیه السلام؛ چگونه امکان دارد که منکر اکمال دین در روز غدیر، کافر باشد؟

- الف) زیرا کتاب خدا را رد کرده است و کسی که کتاب خداوند را رد کند، کافر است
 ب) زیرا چنین کسی منکر خداست و منکر خدا، کافر است
 ج) زیرا چنین کسی منکر رسول خداست و منکر رسول خدا، کافر است
 د) مورد الف و ج

۵. بیشتر اهل سنت با توجه به سخن خلیفه دوم، نزول آیه اکمال را در چه روزی می‌دانند؟

- الف) روز غدیر
 ب) روز عرفه
 ج) روز فتح مکه
 د) مورد الف و ب

۶. کدام آیه از قرآن به فضیلت امیرمؤمنان علیه السلام در لیلۃ المبیت اشاره دارد؟

- الف) سوره بقره، آیه ۲۰۴
 ب) سوره توبه، آیه ۲۰
 ج) سوره بقره، آیه ۲۰۷
 د) سوره توبه، آیه ۱۹

۷. کدام آیه از قرآن به سه نقشه کفار در مکه برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، اشاره دارد؟

- الف) سوره رعد، آیه ۴۳
 ب) سوره انعام، آیه ۳۰
 ج) سوره منافقون، آیه ۸
 د) سوره انفال، آیه ۳۰

۸. حضرت فاطمه علیها السلام برای ولایت و جانشینی امیرمؤمنان علیه السلام، به چه واقعه‌ای

تصریح فرمود؟

- الف) واقعه یوم الدار
 ب) واقعه غدیر
 ج) واقعه مباحله
 د) همه موارد

۹. بر اساس فرمایش امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه؛ چه چیزی ملاک حقانیت به حساب می آید؟

الف) آنچه خداوند نازل کند

ب) جمعیت و طرفداران

ج) زور و قدرت

د) انتخاب مردم

۱۰. امام هادی علیه السلام برای تضمین وعده تخلف ناپذیر خداوند درباره این که کفر

و ارتداد عده ای به طریق حق و صراط مسقیم الهی ضربه ای نخواهد زد؛ به

چه آیه ای اشاره فرموده است؟

الف) سوره آل عمران، آیه ۵۴

ب) سوره ابراهیم، آیه ۴۶

ج) سوره مائده، آیه ۵۴

د) سوره نحل، آیه ۴۵

نام و نام خانوادگی: ش ش: نام پدر:
سن: استان: شهر: تلفن ثابت:
آدرس: تلفن همراه:

پاسخنامه

الف	ب	ج	د	
				سؤال ۱
				سؤال ۲
				سؤال ۳
				سؤال ۴
				سؤال ۵
				سؤال ۶
				سؤال ۷
				سؤال ۸
				سؤال ۹
				سؤال ۱۰



«غدیر»، پیام روشن الهی برای تعیین جانشین رسول الله ﷺ است و جایگاه ویژه‌ای در میان موارث نبوی و امامان معصوم ﷺ دارد که همگان را به تدبّر و تأمل فرا می‌خواند. هریک از امامان معصوم ﷺ در طول حیات خویش و در میان موارث علمی و معنوی خود، به موضوع غدیر و فضائل امیرمؤمنان ﷺ اشاراتی داشته‌اند. در این میان، امام هادی ﷺ نیز در اقدامی بدیع، مجموعه‌ای از فضائل و احادیث نسبت به جایگاه امیرمؤمنان ﷺ، به ویژه غدیر را در زیارت روز عید غدیر بیان فرموده است.



انتشارات سرو امید